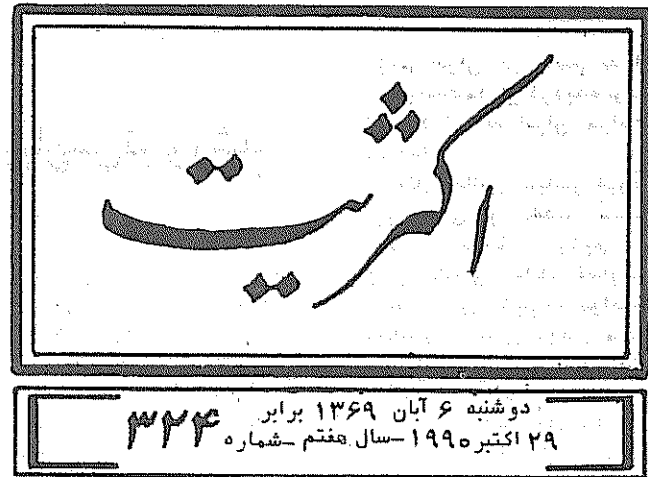


درگیری‌های شدید حکومتی ادامه دارد!

* خامنه‌ای مخالفینش را فریب‌ناپذیر نامید که حرف‌های اسرائیل و آمریکا را میزنند
* یک نماینده مجلس: حزب الله دارد حذف میشود



علیرقم بازگشائی سفارتخانه‌ها

مبادله اسرا همچنان متوقف مانده است

سفرتخانه‌ها رفت و آمد مقامات دو کشور و درخواست‌های آنان از یکدیگر نیز افزایش یافته است. اما هنوز مبادله اسرای دو کشور علیرقم توافق‌هایی که چند بار اعلام شده، از سر گرفته نشده است. محمد علی نظریان نماینده جمهوری اسلامی در مبادله اسرا، هفته گذشته اعلام داشت که هنوز هزاران اسیر ایرانی در عراق به سر می‌برند که دولت بغداد اسامی همه آنها را به حکومت اسلامی اطلاع نداده است. وی وعده داد که بزودی ۲۳۰ تن دیگر از اسرای ایرانی به میهن خود باز خواهند گشت. اما تاریخی برای بازگشت آنان ذکر نکرد. هفته گذشته هم چنین دولت اسلامی از عراق

با بازگشائی سفارتخانه‌های ایران و عراق، روابط سیاسی رسمی دو رژیم که ۸ سال علیه یکدیگر جنگیده بودند، وارد مرحله تازه‌ای شد. در مراسم بازگشائی سفارت جمهوری اسلامی در بغداد، که هفته گذشته صورت گرفت ابوالقاسم شمشعی کاردار سفارت گفت: بازگشائی سفارت پیام آور گام برداشتن ایران و عراق در مسیر گسترش همکاری‌های ثروبخش دو کشور اسلامی و هماهنگ ساختن مواضع به منظور رویارویی با استکبار جهانی است که مقدمات اسلامی و امنیت منطقه را به خطر انداخته است.

همراه با بازگشائی

نطق‌های پیش از دستور باخشونت بی‌سابقه‌ای به مخالفین خود حمله می‌کنند. جزیان تندرو موسوم به خط امام، ائتلاف رفسنجانی، خامنه‌ای را به تقلب در انتخابات مجلس خبرگان متهم می‌سازد. مرتضی الویری نماینده هوادار جناح تندرو در جلسه ۳شنبه گذشته مجلس، انتخابات مجلس خبرگان را شکست تلخی برای جمهوری اسلامی نامید و گفت نگرانی این است که بر سر انتخابات دوره آینده مجلس شورا نیز همان بیابید که بر سر انتخابات مجلس خبرگان آمد. یک نماینده دیگر بنام موسوی به فساد دولتی شدیداً حمله کرد و برنامه بازسازی دولت رفسنجانی را شعارهای پوچ خواند. در جلسه قبل‌تر مجلس، یکی از نمایندگان تهران خامنه‌ای را تهدید به استیضاح کرد و گفت: در قانون اساسی استیضاح وزیران، رئیس‌جمهور و حتی در مواردی تغییر رهبری پیش‌بینی شده است. وی از سانسور شدید و حذف نیروهای حزب الله به شدت انتقاد کرد و بقیه در صفحه ۲

خامنه‌ای پس از این حملات شدید به مخالفینش در مجلس شورا، در وحشت از گسترش کنترل نشده تهاجم به این نهاد مقدس، هشدار داد: البته مردم باید اقدام مجلس شورای اسلامی را حفظ کنند! این تذکر من تذکری است که من وظیفه دارم بگویم، این موجب نشه که حالا نسبت به مجلس شورای اسلامی خدای نکرده از طرف کسی بی‌احترامی رخ بدهد. خامنه‌ای در این سخنرانی تاکید کرد که در هنگام خودش به‌طور مفصل‌تر به مخالفین جواب خواهد داد.

سخنان خامنه‌ای نشانه شدت درگیری‌هایی است که از چندی پیش از انتخابات مجلس خبرگان به روی پرده آمد و تاکنون ادامه دارد. طرفین با نامه‌پراکنی، افشاکاری در مساجد و محافل حکومتی، اخراج و تصفیه مخالفین خود، جنگ مطبوعات و حتی در مواردی برخوردی مسلحانه به افشاکاری و تهدید علیه یکدیگر مشغولند. مرکز اصلی درگیری جناح‌ها مجلس شورای اسلامی است. نمایندگان در

اسلامی سخن می‌گفت، بخشی از سخنانش را به درگیری‌های درون حکومت اختصاص داد و گفت: بعضی حرف‌ها در چند وقت گذشته شنیده شد از بعضی نمایندگان مجلس که حرف خودی‌ها نبوده، حرف‌ها را ما این چندساله جز از رادیو اسرائیل و رادیوی آمریکا و رادیوی منافق و اینها نشنیده بودیم. در مجلس کسی از این حرف‌ها نزده بود. نرن بگن ما تو مجلس آزاد نیستیم، چرا توی مجلس نماینده آزاده، وی آنگاه مخالفین را به سرکوب تهدید کرد و افزود: اما آزادی در چی؟ آزادی در اینکه علیه ملت، برعکس خواسته ملت اونجا و ایستن مثل سخنگوی رادیو اسرائیل حرف بزنن؟ نه، این آزادی نیست، این آزادی برای هیچ‌کس نیست در جامعه اسلامی. خامنه‌ای مخالفینش را "چهارنفر آدم جاهل" خواند و افزود: نکنه چهار نفر آدم جاهل، بی‌توجه، عصبانی، بی‌توجه به مسئولیت، یک حرکتی بکنند و یک مجموعه پاک و مطهری را زیر سوال ببرند.

امان از دست این زن‌ها!

رسوایی‌های پیاپی در مورد روابط سیاستمداران، کشیش‌ها و سایر شخصیت‌های معروف آمریکائی با هنرپیشه‌های زن، مانکن‌ها و... موضوع نوشته‌ای از آرت بوخوالد طنزپرداز معروف است.

من دیگر تاب تحمل این زن‌هایی را که روابط خود را با سیاستمداران معروف دوران ما با بوق و کرنا هلنی می‌کنند، ندارم. به یاد هست زمانی که یک زن آمریکائی خوشحال می‌شد اگر می‌توانست با رئیس‌جمهور ایالات متحده، با یک نماینده کنگره و با یک شخصیت مشهور واشنگتن رابطه داشته باشد، آن هم به دلیل لذتی که این زن‌ها از مصاحبت این مردان بزرگ می‌بردند.

اما مدتی است که این خانم‌ها شروع کرده‌اند که در ملاء عام از این چیزها صحبت کنند. فکر می‌کنم از جانب همه روسای جمهور آینده، همه نمایندگان و سایر شخصیت‌های سیاسی سخن گفته‌ام. اگر بگویم که ما، در صورتی که این ضعیفه‌ها دست از پرده‌داری‌های خود بردارند، مجبور خواهیم شد در مقابل طنزهای آینده‌شان "نه" بگوئیم.

من کاملاً واقفم که این یک تدبیر سخت‌گیرانه است، و خواهند بود زانی که با خواندن این سطور، از خود بپرسند: "چرا ما باید تاوان چند زن را بدهیم که لاف روابط خود را می‌زنند؟" جواب آن‌ها این است: اگر قرار باشد ما صاحبان مقامات حساس با هر شب خوشی که برای خودمان ترتیب می‌دهیم این خطر را به جان بخیریم که از مادر ستون‌های این نشریه و آن نشریه نام ببرند و آینده‌مان را خراب کنند، در این صورت ما باید در آینده چه بخواهیم و چه نخواهیم از هر رابطه بدون ازدواج چشم‌پوشی

بقیه در صفحه ۲

تروریست‌های جمهوری اسلامی همچنان به آدم‌کشی ادامه میدهند

دکتر سیروس الهی در پاریس ترورشده

با احمدی در دوی ترور شده بود. طی دو سال اخیر آدمکشان رژیم اسلامی چندین تن از مخالفین خود در خارج از کشور از جمله دکتر عبدالرحمن قاسمیلو دبیرکل حزب دموکرات کردستان، دکتر کاظم رجوی از مخالفین سرشناس رژیم، صدیق کمانگر و قلامرضا کشاورز از مخالفین گروه‌های چپ و بالاخره خانم هفت قاضی همسر یکی از این سازمان بنام سرهنگ عطاالله

دوشنبه هفته گذشته، جنایت تازه‌ای به وقوع پیوست و دکتر سیروس الهی از رهبران سازمان درفش کاپویتی در مقابل خانه‌اش در پاریس ترورشده. در میان نیروهای اپوزیسیون تردیدی وجود ندارد که این جنایت توسط تروریست‌های رژیم اسلامی صورت گرفته است. سازمان درفش کاپویتی با صدور بیانیه‌ای این جنایت را به شدت محکوم کرد

بقیه در صفحه ۲

شکست بی نظیر بوتو در انتخابات پاکستان

داشت انجامید. برنده این انتخابات، "اتحاد جمهوری اسلامی" به رهبری نواز شریف بود. این ائتلاف توانست اندکی کمتر از نصف تعداد کرسی‌های مجلس پاکستان را به خود اختصاص دهد. پیش‌بینی می‌شود "اتحاد جمهوری اسلامی" بتواند با جلب حمایت تعدادی نماینده منفرد، دولت جدید پاکستان را تشکیل دهد.

مبارزه انتخاباتی "اتحاد جمهوری اسلامی" که از پشتیبانی ارتش و قلام اسحاق خان رییس جمهوری برخوردار بود، حول دو محور عمده پیش رفت: اتهاماتی که متوجه بی نظیر بوتو و خانواده اش شده و از جمله، همسر بوتو را باکیفرخواستی تحت عنوان فساد روبرو کرده است، و نیز تبلیغات تحریک آمیز علیه هند. نواز شریف رقیب بی نظیر بوتو در آخرین گردهمایی انتخاباتی خود، هند را تهدید به ضربه اتمی کرد. وی گفت: "اگر هند خیال حمله به پاکستان را در سر بپروراند، پاکستان نه یک، بلکه صداهای اتمی خواهد ساخت."

انتخابات پیش‌رو پاکستان به آن دلیل برگزار شد که قلام اسحاق خان رییس جمهوری پاکستان در روز ۱۵ مرداد گذشته بی نظیر بوتو را پس از نزدیک به بیست ماه نخست‌وزیری برکنار کرد. در آستانه انتخابات، در پاکستان شایع شد که در صورت پیروزی بوتو، نظامیان دست به کودتا خواهند زد. ارتش پاکستان به بهانه حفظ نظم و آرامش در جریان مبارزه انتخاباتی نیروهای خود را به خیابانها آورده بود و قدرت نمایی می‌کرد.

بقیه در صفحه ۲

قدرت نمایی ارتش پاکستان

در این شماره

نظرات اکتاویوپاز
در صفحه ۵

ره‌په‌سوی دریا
در صفحه ۴

اصول رازیر پانگ‌داریم
در صفحه ۲

مصاحبه اشپیکل با الکساندریا کوولف
در صفحه ۷

ملک فهد: صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

مخالفت کرد. وی گفت اشغال کویت توسط عراق یک مسئله داخلی اعراب است، و هر کس بخواهد این مسئله را با اشغال سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل مربوط کند، به دنبال حل هیچ‌یک از این دو مسئله نیست.

رئیس‌جمهور مصر طی دیدار خود از عربستان تلویحا برای اهزام، تعداد بیشتری نیروی نظامی به این کشور اعلام آمادگی کرد. به گزارش رادیوی قاهره، پادشاه عربستان گفته است که مبارک به او اطلاع داد عربستان سعودی در صورت نیاز به شمار بیشتری از نیروهای مصری نباید در طرح تقاضای آن تعلل کند.

شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان، گزارش‌های منتشره در هفته گذشته حاکی از آمادگی کشورش برای دادن امتیازهای ارضی به عراق را تکذیب کرد. خبرگزاری عربستان یک بیانیه وزیر دفاع این کشور را

ملک فهد پادشاه عربستان سعودی، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق را فراخواند از کویت عقب‌نشینی کرده و "برای حفظ خود" در بحران خلیج فارس به "منطق و عقل سلیم" بازگردد. فهد طی نطقی در مراسم استقبال از حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر که برای دیدار با نیروهای مصری مستقر در عربستان به این کشور سفر کرده بود، لحن آشتی‌جویانه‌ای در قبال صدام حسین در پیش گرفت.

پادشاه عربستان گفت صدام حسین نباید تصور کند که با بازگشت به "حق، منطق و عقل سلیم" حیثیت خود را از دست خواهد داد. فهد افزود: "اگر صدام به‌طور جدی درباره مسئله بیاندیشد، پی خواهد برد که به نفع عراق، به نفع خود او و به نفع ملت عرب است که عقب‌نشینی کند."

مبارک بار دیگر با منوط‌کردن حل بحران خلیج فارس به حل مسئله اسرائیل و فلسطین

بقیه در صفحه ۲

درگیری‌های شدید حکومتی ادامه دارد!

بقیه از صفحه اول

مشدار داد که یک جناح دار حذف می‌شود. نماینده دیگری بنام عظیمی به نمایندگان حزب اللهی که از کسادی انتخابات صحبت کرده بودند شدیداً حمله کرد و فریاد زد: چرا به ناطقین قبل از دستور حمله می‌کنید؟ چرا ناطق‌ها را پاره می‌کنید؟

این اظهارات تنها گوشه‌هایی از حدت درگیری‌ها را نشان می‌دهد. گفته می‌شود که حتی جناح تندرو به طور آشکار خواهان خلع خامنه‌ای از مقام رهبری شده است. جمعی امام جمعه آبادان که در انتخابات مجلس خبرگان صلاحیتش مورد تایید قرار نگرفته، به نمازگذاران گفته است که در شعارهایشان نقطه به گذشتن "خمینی رهبر" اکتفا کنند و به طور ضمنی رهبری خامنه‌ای را نفی کرده است. مشخصه‌ای که بحران فعلی هیات حاکمه را از بحران‌های داخلی پیشین متمایز می‌کند، کشیده شدن مستقیم پای ولی فقیه به حیطه این درگیری‌هاست. هیچ‌کدام از جریان‌های موجود در حاکمیت تا پیش از این، چنین آشکار و بی‌پرده ولی فقیه را لبه تیز حملات خود نساخته بودند. بدین ترتیب در دوره تازه درگیری‌ها آخرین "سنگر مقدس" و انتقادپذیر رژیم

حاکم بر ایران نیز به زیر سوال رفته است. انتقادات هرچند متوجه شخص ولی فقیه و نه مقام ولایت فقیه است، اما خواه ناخواه دامنه خود این مقام را نیز در برمی‌گیرد و قداست آن را در نزد نیروهای معتقد به رژیم فرو می‌ریزد و ضربه‌ای کاری بر مشروعیت این رژیم در نزد معتقدان آن فرود می‌آورد. این بار ستون فقرات رژیم قرار حملات جناحی از خود رژیم قرار گرفته است. رئیس جمهور اسلامی تا به امروز از ورود مستقیم به صحنه درگیری خودداری کرده و وظیفه اصلی مقابله آشکار با افراطیون بر دوش خامنه‌ای افتاده است. این وضعیت به تحکیم موقعیت رفسنجانی کمک می‌کند زیرا هم تضعیف خط امام و هم بی‌آبرویی "رهبر انقلاب" یعنی رقیب رسمی او را در پی دارد. رفسنجانی با هوشیاری این را آموخته است که هیچ‌گاه در جبهه مقدم نبرد پیکار نکند.

ویژگی دوم این بحران دوام دار بودن آن است. هیچ‌کدام از درگیری‌های پیشین حکومتی، چنین طولانی به روی صحنه نیامده بود. تا پیش از این حضور پر قدرت خمینی در راس حکومت، بحران را پس از آشکار شدن به سرمت به پشت صحنه می‌راند، اما این بار چنین نیرو و

اتوریت‌های وجود ندارد و خامنه‌ای که ظاهراً باید چنین نقشی را ایفا کند خود آماج حملات است. جریان حزب الله علیرقم حاضر به تکمیل و عقب نشینی نشده است. ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی مجبور است برای مهار این بحران کانون اصلی آن یعنی مجلس شورای اسلامی را مهار کند. سخنرانی ۲ آبان خامنه‌ای را باید در این راستا تلقی کرد. اگر مخالفین با تهدیدهای رهبر ساکت نشوند - که نشده‌اند - کار به استفاده از نیروهای مسلح و دستگیری و سرکوب بخش‌های دیگری از حکومت خواهد رسید. هم‌اکنون تدارک سرکوب گروهی از نمایندگان مجلس از طریق ارسال نامه از سوی نهادهای حکومتی و تقاضای "برخورد قانونی" با نمایندگان خالی در جریان است. اگر دستگیری و سرکوب تعدادی از افراطیون نیز قادر به مهار آنان نشود، برای "رهبر انقلاب" راه دیگری نمی‌ماند جز آنکه فرمان بر انحلال مجلس بدهد. حوادث ۲ هفته اخیر نشان داده است که حزب الله خط امام بدون مقاومت تسلیم نخواهد شد و بعید نیست که این درگیری‌ها به ناچار تا حذف کامل آنان ادامه یابد. روزهای آتی شاهد حدت‌یابی بحران سیاسی درون رژیم خواهیم بود.

مبادله اسرا همچنان متوقف مانده است

بقیه از صفحه اول

همچنان یکی از موضوعات مورد مذاکره میان دو رژیم هستند. آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام اطلاعاتی آمریکا که نام او را ناش ساخت در گزارشی در روز ۲۱ اکتبر اعلام کرد که رژیم بغداد رهبران این سازمان را به درخواست جمهوری اسلامی از این کشور اخراج کرده است. این مقام اطلاعاتی گفت که بسیاری از رهبران جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی و از جمله فرانسه شده‌اند. سازمان مجاهدین خلق این گزارش را به شدت تکذیب کرد. سخنگوی این سازمان در واشنگتن گفت که اخراج رهبران این سازمان از عراق دروغ است و اعضای مجاهدین مرتباً به عراق رفت و آمد

می‌کنند. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند که عراق آماده است در قبال اقداماتی از جانب دولت اسلامی که منجر به گشایش‌هایی در محاصره اقتصادی این کشور شود. امتیازات بیشتری از جمله در مورد مجاهدین به رژیم تهران بدهد. اما حکومت اسلامی تاکنون چندین بار به دلیل هراس از تقویت موقعیت استراتژیک عراق در منطقه و همچنین تحت فشار جامعه بین‌المللی تعهد خود به قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد اجرای تحریم علیه عراق را اعلام داشته و گفته است که روند صلح و از سرگیری مناسبات سیاسی میان دو رژیم تأثیری در این امر بر جای نخواهد گذارد.

امان از دست این زن‌ها!

بقیه از صفحه اول

باز می‌کنی، داستانی از یک نفر می‌خوانی که مدعی است رابطه‌ای با یک شخصیت مهم داشته است. متاسفم که می‌بینم ورق‌پاره‌های مبتذل و ناشران کتاب‌های جیبی، این زن‌ها را تحریک می‌کنند و بابت روایت داستان‌های مربوط به روابط خصوصی با افراد دارای مقام‌های مهم، به آن‌ها اجرت کلان می‌دهند. زمانی بود که می‌توانستی زنی را در تاکسی بنشانی و به خانه‌اش بفرستی و مطمئن باشی که این زن به همین که شبی را با فرد محبوبش گذرانده است، راضی است. این زن به خانه‌اش که می‌رسید، با خوشحالی به خواب می‌رفت و خواب می‌دید که به خوشبخت کردن همه مردم آمریکا کمک کرده است. اما در این دوره و زمانه، این زن‌ها مثل تیر به خانه می‌روند و به نظر می‌رسد نیمی از شب را بیدار می‌مانند تا در دفتر خاطرات خود چیزهایی بنویسند که اصلاً به افکار عمومی مربوط نیست.

باز می‌گویم که دیگر تمام شد. من با نامزدهای ریاست جمهوری، اعضای کنگره و ستارو‌ها صحبت کرده‌ام و همه آن‌ها به من یک چیز را گفته‌اند: "دیگر بس است. اگر زن‌ها هم مثل مردها شروع به لاف زدن از روابط خود کنند، بگذار خوشی خود را نزد دیگران جستجو کنند." بسیار مایه تاسف است که کار به اینجا کشید. واشنگتن همواره یکی از معدود شهرهای ایالات متحده بود که در آن یک زن می‌توانست با رئیس‌جمهور ایالات متحده یا یک نماینده کنگره رابطه‌ای کاملاً خصوصی و پوشیده از نگاه همسایه داشته باشد. اما به خاطر وجود چند خانم پول‌پرست حالا همه ما، از رئیس‌جمهور گرفته جوان‌ترین نماینده، باید دیگر استوار باشیم. و اگر دفعه بعد یک منشی‌یاب هنرپیشه سینما به ما پیشنهادهایی بکند، به او با قاطعیت خواهیم گفت: "متاسفم خانم."

دکتر سیروس الهی در پاریس ترورش شد

بقیه از صفحه اول

رهبران کردهای مخالف رژیم را ترور کرده‌اند. ترور دکتر سیروس الهی تنها یک هفته پس از بازگشت گالیندوپل بازرس، مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران صورت گرفته است. متاسفانه مصلحت‌جویانه دولت‌های اروپایی که این ترورها در خاک آنها صورت گرفته است - با رژیم اسلامی، موجب جری‌تر شدن این رژیم در کشتار مخالفین سیاسی خود در خارج از کشور شده است. پس از ترور دکتر قاسم‌لو پلیس اتریش استرداد دو تن از کارمندان جمهوری اسلامی را که متهم به شرکت در این جنایت بودند از رژیم اسلامی طلب کرد، اما بر اثر

نشارهای وزارت امور خارجه اتریش مجبور به انصراف از تقاضای خود گردید. در مورد سایر قربانیان این رژیم نیز تاکنون حکومت اسلامی از سوی دولت‌های اروپایی مورد مواخذه قرار نگرفته است. روز سه‌شنبه دفتر سازمان مجاهدین خلق اعلام داشت که رونالد شاتلن قاضی دادگاه لوزان، که مسئول پیگیری ترور دکتر کاظم رجوی است، این پرونده را تکمیل کرده و از طریق دادگاه عالی سوئیس پرسشنامه‌ای پیرامون این جنایت برای دولت رفسنجانی ارسال کرده است. پلیس سوئیس قبلاً خواستار استرداد ۲ تن از افراد سفارت جمهوری اسلامی در ژنو که متهم به شرکت در ترور کاظم رجوی بودند از دولت تهران شده بود، اما

ملک فهد:

صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

بقیه از صفحه اول

مخاخره نمود که در آن آمده است هرستان به طور کامل از قطعنامه‌های صادره از سوی جامعه عرب و جامعه بین‌المللی، که در آن عراق به خروج فوری و بلاقید و شرط از کویت فراخوانده شده است، حمایت می‌کند. بیانیه می‌افزاید گزارش‌هایی که در آن از آمادگی هرستان سعودی برای اعطای امتیازات احتمالی به عراق سخن رفته بود، ناشی از "برداشت‌های نادرست" بوده است.

ریچارد چینی وزیر دفاع ایالات متحده روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در پاریس تایید کرد که نیروهای عراقی در جریان اشغال

کویت به چند موشک هاوک دست یافته‌اند. چینی افزود شمار دقیق این موشک‌ها معلوم نیست. وی همچنین از این که عراقی‌ها قادر به استفاده از این موشک‌ها هستند یا نه، اظهار بی‌اطلاعی کرد. وزیر دفاع آمریکا پس از ملاقات با فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه اخبار دایر بر وجود یک "برنامه زمان‌بندی شده یا موهدهای از پیش تعیین شده" برای اقدام نظامی علیه عراق را تکذیب کرد و افزود دولت متبوعش مصمم به ادامه تحریم‌ها و محاصره عراق است. به گفته وزیر دفاع دولت بوش، آمریکا تاکنون ۲۱۰ هزار نفر از نیروی زمینی، نیروی

هوایی و نیروی دریایی خود را در منطقه خلیج فارس مستقر کرده است. ژان پیر شووه‌نمان وزیر دفاع فرانسه در تلویزیون این کشور گفت خطر جنگ در خلیج فارس "بدون شک" کم‌کم بیش از امکان راه حل مسالمت‌آمیز است. وی افزود با این حال نباید از هیچ کوششی برای کمک به "قلبه ایر" امکان "فروگذار کرد. وزیر دفاع فرانسه خاطر نشان کرد "تجربه نشان داده است جنگ‌های بزرگ زمینی در جهان سوم به شکست انجامیده‌اند آمریکا در ویتنام، شوروی در افغانستان و حتی فرانسه در الجزایر."

اصول رازیر پانگداریم

فریدون تنکابنی

است؟ نادرست و بی‌پایه است.

وظیفه روشنفکر آگاه سیاسی این است که جدا بیدار و هوشیار جامعه خود باشد و هم بداند که جدا هم بدتر را.

شما اگر دو شیشه شیر داشته باشید که اولی دو روز از تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را دم مسمومیت خفیف غذایی کند و دیگری یک هفته تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را فوراً و شدیداً مسموم کند، کدام یک را خواهید نوشید؟ آیا انتخاب میان بدو بدتر دست می‌زنید و شیری می‌نوشید که شمارا دچار مسمومیت خفیف کند؟

عقل سلیم هر دو را نفی می‌کند و می‌گوید هیچ‌کدام از این دو را به عنوان "ماده غذایی" نپا به رسمیت شناخت، زیرا هیچ‌کدام ویژگی‌های مؤ غذایی را ندارند.

اگر صدام و آمریکا با یکدیگر مخالفند، منطقاً دوجهی به ما می‌گوید که باید جانب یکی از آن‌ها بگیریم. چرا که اگر یکی از آن‌ها برحق نیست، پ دیگری برحق است.

اگر روزگاری کویت بخشی از عراق بوده است استعمارگران به خاطر منافع خود آن را جدا کرده‌اند دلیل نمی‌شود که امروز صدام به کویت تجاوز کند اگر حکومت کویت مردمی نیست، باز هم دلیل نمی‌شود که دیکتاتوری چون صدام قیم مردم کویت شود و بخواهد آن‌ها را علی‌رغم میل خود "آزاد" کند.

اگر هر کس به این بانه بخواهد به همسایه خود تجاوز کند، جغرافیای جهان برهم خواهد خورد

از رویدادهای ایران

۵۰ میلیون جمعیت، ۴ هزار محقق!

گفت: برای تمرکز امور تحقیقاتی فرهنگستان علوم پزشکی تشکیل خواهد شد. فقر امکانات فنی و آزمایشگاهی یکی از دلایل عمده عقب ماندگی در این عرصه است. برای اینکه آزمایشگاهها، کارگاهها و مراکز تحقیقاتی دانشگاهها به حداقل وسایل و امکانات ضرورت تجهیز شوند، حداقل ۵۰ میلیون دلار ارز مورد نیاز است که تا بحال هیچ نهادی مسئولیت تامین آنرا به عهده نگرفته است.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد مطابق پیش بینی های بعمل آمده، تا پایان برنامه ۵ ساله از هر یک میلیون ایرانی ۲۵۰ نفر به کارهای تحقیقاتی اشتغال خواهند داشت. در حال حاضر از هر یک میلیون ایرانی فقط ۸۲ نفر به انجام امور تحقیقاتی مشغول هستند به عبارت دیگر کل محققین ایرانی کمی بیش از ۴۰۰۰ نفر هستند! وزیر فرهنگ و آموزش عالی در این گفتگو هم چنین

خامنه‌ای: در دانشگاه‌ها باید از اسلام پاسداری شود

اعلا از اسلام پاسداری کنند و کارها را به گونه‌ای پیش برند که بیگانگان از اسلام و انقلاب احساس تسلط بر دانشگاهها نکنند. خامنه‌ای در سخنان خود تدریس در دانشگاهها توسط کسانی که به اسلام و انقلاب اعتقاد ندارند، مشروع و طایفه آرایه هلمشان، را با مانع دانست و افزود اما به این دسته از افراد در صحنه مدیریت دانشگاهها و جامعه نباید میدان داده شود.

روز سه شنبه اول آبانماه خامنه‌ای در دیدار با وزیر بهداشت - درمان و آموزش پزشکی و روسای دانشگاههای علوم پزشکی بار دیگر پاسداری از اسلام در محیطهای دانشگاهی را مورد تاکید قرار داد و خواستار فراهم ساختن امکانات بیشتر برای نیروهای حزب الهی در دانشگاهها شد. وی از استادان و مسئولین دانشگاهها خاطر نشان ساخت که باید در حد

برگزاری هفته تربیت

برگزار شود. هر روز این هفته به موضوع خاصی اختصاص خواهد یافت، شامل: رهبری و تربیت، خانواده و تربیت، جامعه و تربیت، صدا و سیما و تربیت. برگزاری هفته تربیت اقدامی است در جهت شستشوی مغزی دانش آموزان. رژیم از راههای گوناگونی می‌کوشد، دانش آموزان را در جهت اطاعت از نظام و قوانین آن شستشوی مغزی دهد اما در این راه موفقیت نصیب او نشده است.

رادیوی دولتی ایران اعلام کرد سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش همزمان با هفته تربیت، روزهای ۱۲ و ۱۳ آبانماه در حسینیه ارشد تشکیل خواهد شد. معاون تربیتی وزارت آموزش و پرورش هدف این سمپوزیوم را ایجاد تحرک در جامعه دانشگاهی برای بررسی مسایل و مشکلات تربیتی دانش آموزان و آرایه موضوعها و مسایلی تحقیقی در زمینه مسایل تربیتی آنان ذکر نمود. قرار است بهمین منظور هفته ای به نام هفته تربیت همزمان با روز دانش آموز از ۱۳ تا ۱۹ آبان ماه

کنگره بزرگداشت فردوسی

۳۵۰ نفر از جمله ۱۷۶ تن از استادان زبان و ادبیات فارسی از سراسر جهان به این کنگره دعوت شده‌اند. ۵۰ تن از استادان زبان فارسی ایران نیز در این کنگره شرکت خواهند کرد. ستاد برگزاری کنگره طی اطلاعیهای از معلمان و دانش آموزان خواسته است که مقالات و اشعار خود در مورد فردوسی و شاهنامه را به این ستاد تحویل دهند.

در حالیکه سال ۱۹۹۰ که بناسبت ۱۰۰۰مین سال سرایش شاهنامه فردوسی، سال بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی حماسه سرای بزرگ ایرانی نام گرفته است، رو به پایان میرود. رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشت که کنگره گرامی داشت فردوسی روزهای ۴ و ۵ دی ماه در کنار آرامگاه او در شهر طوس برگزار خواهد شد. مطابق گزارش رادیو دولتی

آشغته خواهد شد. مگر روزگاری بحرین جزو ایران نبود و "استان چهاردهم" شمرده نمی‌شد؟ واقعیت‌های جهان محمدرضا شاه را وادار کرد که از ادعای خود چشم ببوشد و استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد. (و طنز تلخ تاریخ در این بود که محمد رضا شاه که محالغان خود را "وطن فروش" می‌نامید، خود ناچار شد به بهای سه جزیره ساحلی و مقام ژاندارمی منطقه و دوستی با اعراب، پاره‌ای از وطن را بفروشد!) امروز حتی هلموت کول صدراعظم دست راستی آلمان ناچار است مرزهای شرقی آلمان - مرز میان آلمان و لهستان را - که تنها ۴۵ سال از به وجود آمدن آن می‌گذرد، به رسمیت بشناسد و قیر قابل تغییر بداند.

در ست است که استعمارگران فربنی نفت عراق و کویت (و به طور کلی نفت همه منطقه) را به فارت می‌برند، اما قرار گرفتن منابع نفت و ثروت ناشی از فروش آن در دست دیکتاتوری چون صدام، به معنای احقاق حقوق حقه مردم این دو کشور یا مردم منطقه نیست.

برخی از کسانی که این بخش از موضوع را می‌پذیرند، باز به منطق دو وجهی پناه می‌برند و ناچار از آن سوی بام فرومی‌افتند و می‌گویند حال که صدام بر حق نیست، پس حق با امریکاست که میخواهد زور را با زور پاسخ دهد و با نیروی نظامی جلو تجاوز را بگیرد.

حال آن که اقدام نظامی امریکاء تجاوز آشکار به منطقه است. و بهانه قطع نامه‌ها و اقدامات سازمان ملل متحد نمی‌تواند آن را توجیه کند. امریکاء ابتدا به پشتوانه قدرت فائده خود تجاوز می‌کند و سپس از سازمان ملل متحد جواز می‌گیرد. امریکاء در جنگ کره هم همین کار را کرد.

دوستی که در این باره با او گفت و گو می‌کردم، پرسید: پس چه باید کرد؟ باید دست روی دست گذاشت و ناظر تجاوز صدام بود؟ بالاخره یک کسی، یک قدرتی باید در برابر او بایستد و او را سر جای خود بنشانند.

از رویدادهای ایران

۲۲ میلیون نفر با کمبود مواد غذایی روبرو هستند

روزنامه کیهان ۱۵ مهر طی گزارشی خبر داد که ۲۲ میلیون نفر از مردم ایران با کمبود مواد غذایی مواجه هستند. مطابق این گزارش متوسط هزینه مواد غذایی هر نفر در روز برابر با ۱۸۰ ریال تعیین شده است که برای یک خانواده ۵ نفره برابر با ۳۲ هزار و ۴۰۰ تومان در سال می‌شود. طبق آمارهای منتشره متوسط هزینه های خوراکی و دخانی خانواده ها در سطوح مختلف درآمدها به شرح زیر است. خانواده‌هایی که سالانه ۱۲ تا ۲۴ هزار تومان درآمدها دارند ۹ هزار و ۹۱۴ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۲۴ تا ۳۶ هزار تومان

درآمدها دارند ۱۷ هزار و ۶۰۹ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۳۶ تا ۴۸ هزار تومان درآمدها دارند ۲۴ هزار و ۷۵۵ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۴۸ تا ۶۰ هزار تومان درآمدها دارند حدود ۳۱ هزار تومان جمع افرادی که در سطوح در آمدی فوق می‌گنجد و به درجات مختلف قادر به تامین حداقل نیازهای خوراکی خود نیستند بیش از ۲۲ میلیون نفر است. لازم به تذکر است که این آمار متعلق به سال ۶۵ است و طی ۴ ساله اخیر وضعیت مردم از نظر تامین مواد غذایی بیش از پیش رو به وخامت گذاشته است.

توسعه روابط جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی

آبانماه برگزار خواهد شد. ۱۹۶ واحد تولیدی - خدماتی تولیدات صنعتی - معدنی و غذایی آذربایجان شرقی و غربی را در این نمایشگاه عرضه خواهند کرد.

رفت و آمد میان مرز نشینان ایران و شوروی طی ضوابطی آزاد شد. استاندار آذربایجان شرقی طی مصاحبه‌ای در این مورد اعلام داشت که از اول آبانماه سال جاری ۱۲۰۰ نفر از مرز نشینان ساکن در محدوده ۴۵ کیلومتری مرز، طی ۲ روز در هفته و بمدت ۱۵ روز می‌توانند بدون انجام تشریفات گذرنامه ای به کشور هم جوار مسافرت کنند. رفت و آمد از ۲ نقطه مرزی واقع در مغان و جلغا صورت می‌گیرد. مسافرت‌های مرزی در اجرای تفاهم نامه بین مقامات ایران و شوروی آغاز شده است.

استاندار آذربایجان شرقی هم چنین اعلام داشت که اولین نمایشگاه صنعتی - بازرگانی و فرهنگی جمهوری اسلامی در باکو از تاریخ بیستم تاسی ام

دری گسترش مناسبات اقتصادی میان شوروی و جمهوری اسلامی، روز ۳۰ مهر خط حمل و نقل بین المللی ایران و شوروی نیز افتتاح شد. این خط در پی قرار دادی که یک ماه و نیم پیش بین مقام های حمل و نقل جاده‌ای ۲ کشور منعقد شد، افتتاح گردیده است. از طریق این خط روزانه ۴۰ دستگاه کامیونهای حمل و نقل بین المللی جمهوری اسلامی صادرات و واردات به شوروی و بالعکس را انجام خواهند داد.

خبرهای کوتاه ورزشی

فوتبال منطقه‌ای ایران

ششمین هفته مسابقات فوتبال منطقه‌ای باشگاه‌های ایران جمعه گذشته با انجام ۹ دیدار دنبال شد و این نتایج بدست آمد:

منطقه یک: پرسپولیس بیجار ۳ پاکدیس ارومیه ۲ - ماشین سازی تبریز یک استقلال رشت صفر در این گروه مسابقات سپیدرود رشت - بانک استان باختران و ملوان بندر انزلی - تراکتورسازی تبریز به دلیل بارندگی شدید انجام نشد.

منطقه دو: پاس مهران ۲ شهرداری ساری ۱ - نساجی قائم شهر ۲ صنعت نفت شاهرود صفر

منطقه سه: برق شیراز یک تام اصفهان صفر - کمای شیراز ۲ استقلال یزد صفر - ژاندارمری اصفهان ۷ پیروزی چاه‌بهار صفر. منطقه چهار: جنوب اهواز ۵ هما بروجن صفر - استقلال اهواز ۳ پرسپولیس دهمدشت ۱

۳ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز

۳۷ امین دوره مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان هفته گذشته در ایتالیا به پایان رسید. در این مسابقات که ۲۰۰ کشتی‌گیر از بیش از ۴۱ کشور جهان شرکت داشتند، تیم ملی کشتی فرنگی شوروی با برتری مطلق به مقام قهرمانی رسید. کشتی‌گیران شوروی با کسب ۶ مدال طلا، ۳ نقره و یک برنز ۹۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن را بدست آوردند. کشتی‌گیران مجارستان با ۴۹ امتیاز، آلمان با ۴۴ امتیاز مقام‌های دوم و سوم مسابقات را کسب کردند.

تیم ایران با ۳ کشتی‌گیر در این مسابقات شرکت کرد. در وزن ۶۲ کیلوگرم حسن یوسفی ائشار به مقام هشتم رسید و ۲ امتیاز برای ایران کسب کرد. دو کشتی‌گیر دیگر ایران در دور مقدماتی حذف شدند.

تیم ملی شطرنج برگزیده شد

رقابت‌های تکمیلی برای انتخاب تیم ملی شطرنج ایران که به مدت یک هفته در محل فدراسیون شطرنج ادامه داشت روز چهارشنبه گذشته به پایان رسید. در این رقابت‌ها ۶ شطرنج‌باز که در مسابقات قهرمانی کشور عنوان‌های چهارم تا نهم را کسب کرده بودند به رقابت با یکدیگر پرداختند و در پایان عباس خاکپور و هادی مومنی از تهران همراه با حسین آریان نژاد از گیلان به عضویت در تیم ملی شطرنج ایران انتخاب شدند.

قبلا در مسابقات نهایی قهرمانی کشور مهندس خسرو هرندی استاد بزرگ شطرنج ایران با ۱۱ امتیاز به مقام قهرمانی رسیده بود و همراه با نفرات دوم و سوم این مسابقات دکتر خسرو کیهانی و مهدی ماهوری به عضویت در تیم ملی برگزیده شده بودند. قرار است ۶ شطرنج‌باز برتر ایران در نیمه دوم آبان ماه در المپیاد جهانی شطرنج یوگسلاوی شرکت کنند.

سه شنبه سیاه فوتبال

روز سه شنبه ۱۷ مهر ماه ۳ تن از فوتبالیست‌های جوان تیم فوتبال ژاندارمری تهران در یک حادثه دلخراش رانندگی جان خود را از دست دادند. احمد احمدی، جاوید هزیزی و مهرداد عباسیان همراه با دو تن دیگر از فوتبالیست‌های این تیم پس از انجام یک دیدار دوستانه به هنگام بازگشت به خانه در جاده مخصوص کرج دچار حادثه رانندگی شدند و جان باختند. روز ۵ شنبه هزیزی و عباسیان دو فوتبالیست از دست رفته تیم ژاندارمری در بهشت زهرا به خاک سپرده شدند و جنازه احمد احمدی نیز به زادگاهش در تبریز انتقال یافت. تیم‌های جوانان تهران در مسابقات هفته گذشته خود با نوارهای سیاهی که بر سینه نصب کرده بودند به میدان آمدند. روز اول آبان ماه نیز به یاد احمد احمدی یک مسابقه فوتبال دوستانه بین تیم ملی جوانان کشور و منتخب آذربایجان شرقی در ورزشگاه تختی تبریز انجام شد.

نشریه اکثریت این حادثه جانخراش را به خانواده این ۳ فوتبالیست از دست رفته و ورزشکاران ایران تسلیت می‌گوید.

درباره سیروس ملکوتی و آثارش

ره‌په‌سوی دریا

ملکوتی چهار سال بعد، در سال ۱۹۸۴ تحصیلات خود را با هایتترین درجه به پایان رساند.

وی تاکنون کنسرت‌های متعددی در کشورهای مختلف اروپا داشته است. در سال ۸۸ نیز به دعوت دانشگاه والنسیا جهت کنسرت، معرفی آثار و سمینار در زمینه تکنیک‌های نوازندگی گیتار برای دانشجویان به اسپانیا سفر کرد.

سیروس ملکوتی طرح‌ها و تکنیک‌های جدید در محدوده فنی نوازندگی گیتار عرضه کرده است از جمله "ترمولو" های جدید در استفاده از انگشتان دست راست که این تکنیک، شرح زندگی و آثار او در تنها دایره‌المعارف موجود در زمینه گیتار (به زبان اسپانیایی) "روآنوسانچز" ثبت شده است.

در دوران مهاجرت، دوری از وطن و مشاهده تحمیل فرهنگ، مسخ شده و بی روح بر کشورش، این کنجکاو را در او برانگیخت که به هویت فرهنگی خود و جامعه‌اش بپردازد.

این جستجوی و تلاش، عناصر ملموس آثار بعدی وی هستند. از یک سو انتخاب تم‌هایی که تأثیر، نگرانی و نگرانی را از شرایط فرهنگی حاکم بر ایران نشان می‌دهد و از سوی دیگر گرایش به "موتیو" های موسیقی ایرانی، ریتم و نغمات ایرانی سبب شد که در کاروی تلفیقی از دو فرهنگ موسیقی غرب و شرق (و مشخصاً موسیقی کلاسیک و تم‌های ایرانی) مطرح شود. در یکی از کنسرت‌های ملکوتی، پروفسور "مارتموت فلات" طی سخنرانی در باره ساخته‌های وی گفت: "سیروس، همچون

این مطلب توسط یکی از شاگردان سیروس ملکوتی تهیه و تنظیم و برای "اکثریت" ارسال شده است.

سیروس ملکوتی "گیتاریست و آهنگساز ایرانی در سال ۱۳۳۵ در بابل متولد شد و از جمله هنرمندان بی‌شماری است که به دلیل شرایط سیاسی مجبور به مهاجرت شده است.

"نواختن گیتار از سیزده سالگی شروع کردم بدون آموزش مستقیم، به محدوده‌ای از ادبیاتی گیتار کلاسیک دست یافتم. پس از چندی، حدود سال ۵۲ برای تدقیق خودآموخته‌هایم نزد آقای "داریوش افراسیابی" طی دوره‌ای کوتاه آموزش دیدم. در تهران، در جاهای مختلف مثل "خانه هنر تهران" و "فوق برنامه مدرسه عالی ساختمان تدریس میکردم. مشاور موسیقی "کاخ مرکزی جوانان" بودم و هفته‌ای یک روز برای تدریس به ساری میرفتم. چند برنامه تکنوازی در تهران داشتم که آثار کلاسیک اروپا را شامل میشد. اولین قطعه برای گیتار را در سال ۵۷ و تحت تأثیر فاجعه ۱۷ شهریور ساختم که در واقع اولین کارم در عرضه آهنگسازی به شمار میاید."

در همان دوران وی نیز مثل بسیاری از هنرمندان به گروه‌های سیاسی جلب شد و به فدائیان خلق پیوست. نتیجه این همکاری در آن سالها، ارائه نواز سرود "خلق ترکمن" بود که بخش‌هایی از اولین اثرش نیز در همان نوار آمده است.

در آبان ۵۸ (نوامبر ۷۹) برای تحصیل در رشته موسیقی رهسپار آلمان شد و دو ماه بعد تحصیل در رشته تکنوازی گیتار را نزد استاد اسپانیایی خانم "ماریا اتجلس سانچز بنیلی" آغاز نمود.

چون بعنوان یک هنرمندان گرا نمی‌تواند دور از انسانها، دور از هموطنانش که با آنها پیوند زبانی و فرهنگی و الفت همیق عاطفی دارد، قرار گیرد، از این نقطه نظر خواه ناخواه آثارش جنبه سیاسی پیدا میکنند. ملکوتی بعنوان یک هنرمند سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی مخالف بوده و هست - بویژه آنکه این رژیم با حیات هنری او، با موسیقی خصوصی کور و غیر انسانی دارد. وی در سال ۸۸ در اعتراض به عقد قرار داد فرهنگی میان رژیم و دولت آلمان فدرال که با موج اهدام‌ها همزمان بود، دست به اعتصاب غذا زد. اعتصاب وی با حمایت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج و شخصیت‌های علمی - هنری آلمان روبرو شد تا جائیکه هیاتی از اساتید و رؤیس دانشکده موسیقی برلین مخالفت خود را با عقد قرار داد مذکور اعلام کردند. سیروس ملکوتی در حال حاضر بر روی قطعه‌ای برای ارکستر و گیتار و نیز قطعه‌ای بر اساس تمی از یک سرود زرتشتی (گاتاها) کار میکند. او بعنوان یک معلم و از طریق تدریس گیتار زندگی‌اش را تأمین میکند و گاهی نیز کنسرت‌های در شهرها و کشورهای مختلف اجرا میکند. او میگوید:

"فانتزی ماهی سیاه کوچولو" را بر اساس داستان معروف صمد بهرنگی برای تئاتر سایه ای ساخت. "فانتزی ماهی سیاه کوچولو" سراسر تصویر است. تصاویری که به زیبایی و راحتی با موسیقی بیان میشوند. ملکوتی در انتهای این قطعه، ادامه تفکر ماهی سیاه کوچولو را که در اندیشه ماهی سرخ کوچولویی که به قصه گوش میداد، شناور است باریتمی که بیانگر حرکت و تداوم است، تصویر میکند و شنونده نیز در انتظاری بی‌انتهاگویی با ماهی کوچولو همراه میشود تا فراداده‌های دریا را ببیند.

تقطعه "قصه‌های اوین" که در سال ۱۹۸۶ برای صدای زن و گیتار نوشته شده، با شعری به زبان انگلیسی از "آبرتورزا" شاعر پرتغالی در نوامبر ۸۹ در برلین اجرا شد. ملکوتی این قطعه را تحت تأثیر ماجرای واقعی یک مادر که در "اوین" به جوخه اهدام سپرده شد، نوشت و شعر آن در واقع نجوای مادر در وا پسین لحظات زندگی است. بدین ترتیب آثار ملکوتی به یک اعتبار سیاسی نیز هستند. اما او زیبایی شناسی و هنرش را فدای سیاست نمیکند. وی که در اولین انشعاب فدائیان، همکاری خود را با سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) ادامه داد، بعدها در انشعابی دیگر با جریان "سوسیالیستی" از آن سازمان بیرون آمد و اینک مدتهاست که بعنوان یک هنرمند فعالیت میکند.

سیاست برای او مفهومی جز همان مادر، همان کودک، همان ماهی کوچولو ندارد. او به انسان فکر میکند و تا آنجا که به کشورش مربوط میشود انسانها را میبیند که رنج میبرند، تلاش میکنند و راه می‌کشند. او با موسیقی اش شعر میدهد و پلاکارد بلند نمیکند، اما

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

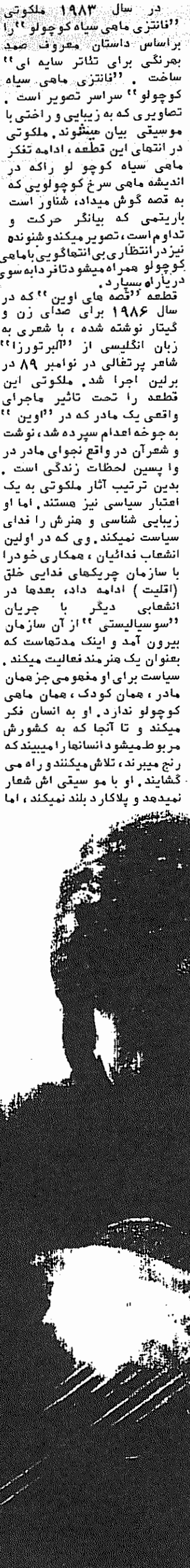
اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها برسیم‌های گیتار پنجه میزند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها میروند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!



SIRUS MALAKOOTY

- Der kleine schwarze Fisch -

KOMPOSITIONEN FÜR

GITARRE

stasch

DOLBY SYSTEM

ظرات اکتاویوپاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

پاز: «اگر آفرینش ادبی تابع سود و درآمد بیشتر شود،

مرگ ادبیات فرا خواهد رسید.»

ح. بهداد



سزاروالیو، شاعر پرویی، با لحن و زبانی شدیداً آمریکایی می‌بایستی که ابتدا نوازی ادبیات اروپای بعد از جنگ جهانی اول را در ذهن خود بگردد و از آن خود سازد.

هردوی این راستاها رانه به عنوان گرایش‌های جدا و متضاد، بلکه بسان خطوطی باید در نظر گرفت که با یکدیگر تلاقی می‌کنند، شاخ و برگ می‌گسترند، درهم می‌تنند و دوباره از هم جدا می‌شوند. از این رهگذر بافت پرآب و رنگی پدید می‌آید که همان ادبیات ماست. ما، نویسندگان آمریکای لاتین، بسان نویسندگان آمریکای شمالی از یک سو در متن سنن و دستاوردهای فرهنگی اروپا تنفس می‌کنیم، فرهنگی که زبان اسپانیایی ما نیز به آن تعلق دارد، و از دیگر سو با واقعیت‌های زندگی در قاره آمریکا سرو کار داریم. برای ما، اهالی آمریکای لاتین، پایدارترین و ماندگارترین فراداده (سنن) ادبی همانا ادبیات اسپانیاست. ما این ادبیات را دستمایه خود می‌سازیم تا بر له یا علیه آن بنویسیم. این ادبیات نقطه همزیست ماست. هنگامی که نفاش می‌کنیم، در واقع به پیش می‌رانیم و با به پیش‌راندنش دگرگونیش را موجب می‌شویم. در واقع رابطه ما با سنن ادبی اسپانیایی از عشق و کشاکش است. آری، ریشه‌های ادبیات ما اروپایی‌اند، اما افق و دستمایه ما خاک و تاریخ آمریکاست. در آمیختن این دو جنبه کار هر روزی است که هر کدام از ما به سبک و شیوه خود آن را انجام می‌دهیم. بر این پایه ادبیات آمریکای لاتین چیزی نیست مگر مجموعه شیوه‌های گوناگون این درآمیزی... در دهه‌های اخیر و بویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در هر صده ادبیات جنبش‌ها و گرایش‌های ایدئولوژیکی پدید آمدند که به رغم سبک و شیوه گوناگونی می‌توان با نرمترین واژه‌ها آنها را «ادبیات کارگزار» (ادبیات خادم) نامید. هنرمندان نزدیک به این جنبش‌ها و گرایش‌ها تلاش کردند که با تاریخ همگامی کنند، اما اغلب تاریخ را با سیاست روز اشتباه گرفتند و از این رهگذر به کارگزاران و مبلغان ایدئولوژی و سیاست مشخصی تنزل یافتند. بنیادهای این ادبیات سخت سست و شکننده بودند. آتشخور اصلی این ادبیات اندیشه‌ای بود که بنا بر آن تاریخ روندی روبه فراگشت و تکامل دارد و در زمانه ما این فراگشت در سیمای طبقه مشخصی بروز یافته، که این طبقه نیز از سوی یک حزب رهبری می‌شود خود این حزب نیز در سیمای رهبریش نمود می‌یابد و این رهبری نیز در یک رئیس یا دبیرکل خلاصه می‌شود. پیداست که هنری با این مبانی لرزان نمی‌توانست دیر بپاید و برآستی امروز به جز رد و نشانی محدود از این هنر چه باقی مانده است. تهنک‌مایگی و بدفرجامی این هنر نه به فقر جنبه‌های زیباشناسانه آن، بلکه بیشتر به تدنی و کاستی مبانی اخلاقی و سیاسی نظام مورد حمایت آن بر می‌گردد. شگفتا، اندیشه‌ای که خود را پرچمدار «تکامل تاریخ» می‌دانست، پیریز اردوگاه‌های کار و نظام‌های مستبد و خیره‌سراز کار درآمد.

موقعیت کنونی ادبیات آمریکای لاتین سواً موقعیت ادبیات در بخش‌های دیگر جهان نیست. در این ادبیات دو ویژگی را به آسانی می‌توان باز یافت: اولین ویژگی همانا از بین رفتن «جنبش آوانگاردیسم» است که در نیمه نخست این سده سر بر آورد، و دومین ویژگی راهی یافتن این ادبیات از توهّمات و پندارهای ایدئولوژیکی می‌باشد. به گفته دیگر آن ناکجاآبادهایی که از سوی دستگاه سیاسی - ایدئولوژیکی خاصی آوازه‌گری و تبلیغ می‌شد، در سیمای حصارها و زندان‌ها نمود یافت و رویای برپایی جامعه‌ای آزاد و برادرانه توسط آن همچون حیاتی ترکید. اینک ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که به لحاظ هنری می‌توان آن را «پست مدرن» (دوران پس از مدرنیسم) و به لحاظ سیاسی دوران «پست ایدئولوژیکی» (دوران پس از ایدئولوژی نامید. باید تاکید کرد که فرسودگی و فانی هنر آوانگارد و بی‌اعتباری ایدئولوژی‌های سیاسی نه به معنای چشم‌پوشیدن از هنر و نه به معنای فرار از برابر تاریخ است. هنر در یکی از کتاب‌های خود یادآور شده‌ام که هنر گذشته‌های نه‌چندان

ویژه خویش را مدیون نویسندگانی همچون هنری جیمز و درونمایه آمریکایی خود را رهین نویسندگانی همچون والت وایتمن است. «ادبیات آمریکای لاتین نیز با پایمردی و تلاش نویسندگانی از نسل سارمی‌یتنو تانسل و الیو سبک و سیمای بومی و نایسته یافت و از حیث درونمایه با کوشش و جهد نویسندگانی

همچون داریوتابورخس بیش از پیش با جنبه‌های گوناگون زندگی در آمریکای لاتین در آمیخت. تباین و تعارض میان جنبه‌های بومی و جهانی ادبیات آمریکای لاتین پیوسته محمل بحث و جدل در میان نویسندگان این دیار بوده است. پرزاس پروفاناس (Prosas Prefanas) سروده روبین داریو (۱۹۱۶ - ۱۸۶۷) برجسته‌ترین اثر اولین مرحله رواج مدرنیسم در آمریکای لاتین به‌شمار می‌آید. هنگامی که این کتاب انتشار یافت، خوزه انریکو رودو ضمن توصیف آن به عنوان اثر شاعری بزرگ و برجسته و نوگرا یادآور شد که ساختار واژگانی نامانوس این کتاب روح زندگی انسان آمریکای لاتین را بازتاب نمی‌دهد. وی آشکارا گفت: «داریو شاعر بزرگی است، اما شاعر مانیست». بعدها برای توصیف آثاری که سخت رنگ و بوی آمریکای لاتینی داشتند، صفت «خاکی» به کار گرفته شده از دید نقادان و ارزیابان یک اثر «خاکی» تنها آفریده یک نویسنده - شیدیدا اصل آمریکایی می‌توانست باشد. و به یاد دارم چهل سال پیش، هنگام آشنایی با گابریلا میسترال، وی به خواندن شعرهای من ابراز علاقه کرد. من اما ابتدا شرم داشتم که شعرهایم را به وی نشان دهم، آخر او برنده جایزه نوبل بود و من شاعری گمنام و تازه‌کار. سرانجام بر این شرم خود چیره‌شده و کتاب کوچکی از شعرهایم را که تازه انتشار یافته بود، برایش فرستادم. چند روز بعد در خانه دوست مشترکی دوباره میسترال را دیدم. وی یادیدن من با واژه‌های مودبانه‌ای پنبه کتابم را زد: «آز شعرهای شما به‌رغم آنکه برایم بیگانه‌اند، خوشم آمد. شما می‌توانستید یک شاعر خوب اروپایی باشید. راستش شعرهای شما برای من به اندازه کافی «خاکی» نیستند...» من با شنیدن صفت «خاکی» سرخ‌شده و خود را محکوم شده ساختم. خاکی نبودن در نظر من نوعی نارسایی مادرزادی به‌شمار می‌آمد، گویی انسان در سرزمین آمتکسازان و موسیقیدانان ناشنوا به دنیا آمده باشد. در آن هنگام در ذهن من شاعر خاکی درخت پر باروری می‌نمود که با تنه‌ای ستبر و جوانه‌هایی انبوه در ژرفای خاک قاره آمریکا ریشه افشاند. از همین رو حتی ریش‌های والت وایتمن (نویسنده سرخپوست بزرگ آمریکادر آغاز سده کنونی هم در نظر من حکم ریشه‌های هوایی درخت بانیتو (درخت مقدس سرخپوستان آمریکا) را داشتند. با این همه برای آنکه از خودم ناامید نشوم، ذهنم پیوسته متوجه شاعری به‌نام ویسنته هویدوبرو (Vicente Huidobro) می‌شد که هیچگاه نمی‌خواست «ریشه» داشته باشد. او حتی بایسته میدانست که شاعر ریشه خود را از خاک بر کند تا توانایی پرواز بیابد، زیرا در نگاه وی شاعری حکم پرواز بر فراز گیتی را داشت که برای آن انسان رانه به ریشه‌ها بلکه به بال‌ها نیاز است. اما شاعری همچون نرودا برعکس هویدوبرو ریشه‌دار بودن را از شرایط ضرور شاعری می‌دانست. از همین روست که وی در سروده‌هایش پاهای خود را بار ریشه مقایسه می‌کند و تصادفی نیست که بهترین کتاب وی نام «اقامت بر خاک» را بر خود دارد.

باری، امروز هنگامی که به حرف‌های گابریلا میسترال و «شاعر خاکی» می‌اندیشم، در دل می‌خندم. به راستی امروز دیگر چه کسی این اصطلاح را به کار می‌برد؟ واقعیت این است که در آثار ادبی معاصر آمریکای لاتین نمی‌توان میان جنبه‌های بومی و جنبه‌های فرا بومی خط و مرز کشید. بزرگترین نویسندگان ما در آن واحد هم بومی بوده‌اند و هم جهانی، با پاهائی بر خاک و سری در ابرها. به گفته دیگر بخشی از نویسندگان آمریکای لاتین معدنچیان در اوج آسمان و بخشی دیگر پروازگرانی در ژرفای زمین بوده‌اند «داریو» فرانسوی شده شعرهایی با رنگ و بوی شدیداً آمریکایی سرود و

از لحاظ جهان بینی پاز به‌آمیزه‌هایی از مسیحیت و آیین بودا باور دارد از لحاظ سیاسی وی که تا ۱۹۳۹ یعنی تا پیمان استالین - هیتلر به کمونیست ها گرایش داشت، اینک در زمره محافظه‌کاران جای دارد. پاز از منتقدین انقلاب‌های آمریکای لاتین به‌شمار می‌رود و انقلاب‌های کوبا و نیکاراگوئه را رویدادهایی کاذب و غیرواقعی می‌داند. وی به سبب مواضع محافظه‌کارانه‌اش پیوسته آماج انتقاد مجامع روشنفکری آمریکای لاتین بوده است.

با اهدای جایزه نوبل به اکتاویوپاز این سومین باری است که طی دهه اخیر نویسنده‌ای از جهان سوم این جایزه را دریافت می‌دارد. داوران پیر کمیته ادبی نوبل که به سبب ستایش پی‌درپی از نویسندگان اروپایی به اروپا گرای می‌تعمم بوده‌اند، اخیراً برای رهایی از این اتهام توجه بیشتری به جهان سوم نشان می‌دهند که نکته‌ای است مثبت. با برگزیده شدن اکتاویوپاز برای دریافت جایزه نوبل اما امید پارهای از محافظ ادبی مبنی بر اینکه این جایزه امسال به نشانه پاسداری از حرمت قلم و تاکید بر آزادی نویسنده احتمالاً به سلمان رشدی داده خواهد شد، نقش بر آب گردید. با نگاهی به کارنامه کمیته ادبی نوبل پیدابود که از این امازاده چنین معجزاتی کمتر ساخته است و داوران پیر این کمیته معمولاً امر اینگونه خطر کردن‌ها نیستند. باری آنچه که در پی می‌آید ترجمه سخنرانی اکتاویوپاز در برلین می‌باشد. در این سخنرانی که سال ۱۹۸۲ ایراد شده است، دیدگاه‌های پاز درباره ادبیات، جنبه‌های ملی و بین‌المللی آثار ادبی و نیز «ادبیات ایدئولوژیکی» بازتاب یافته‌اند. پاز چند هفته پیش نیز در یک سخنرانی در مکزیک دیدگاه‌های خود در مورد تحولات جهانی و رویدادهای اروپای شرقی و نیز خطر تعمیم قوانین بازار به هر صده هنر را تشریح نمود. بخشی از این سخنرانی نیز در پایان می‌آید.

پیوستگی یاد شده مدام پویا و در حال دگرگونی است. اما ادبیات فراتر از دستگاهی از روابط خود نوعی تاریخ نیز به‌شمار می‌رود، تاریخی که قلمرو ویژگیها، بده و بستان‌ها و پیش‌بینی نشده‌هاست. به‌گفته دیگر ادبیات تاریخی است در بطن تاریخ بزرگتری که تمدن، زبان و یا جامعه نام دارد. اما تعاریف گوناگون درباره تاریخ به‌رغم اتکا به عواملی همچون شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی باز هم توضیح‌دهنده کامل و آفرینش‌های ادبی نیستند. زیرا در هر اثر هنری نوعی ویژگی یافت می‌شود که لزوماً با شرایط مشخص تاریخی قابل توضیح نیست. ادبیات آمریکای لاتین نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ادبیات در متن و همراه با تاریخ خلق‌های ما پدید آمده است، اما روند فراگشت آن تنها با تاثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبیین پذیر نیست، زیرا که برای نمونه تاثیر سنن ادبی دیگران بر ادبیات ما بعضاً فزونتر از تاثیر شرایط اجتماعی بوده است به‌رغم تفاوت آشکار میان جامعه آمریکای شمالی و جوامع آمریکای لاتین، یک ویژگی بارز ادبیات آنها را به هم پیوند می‌دهد و آن هم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی است که در قاره آمریکا شاخ و برگ گسترده‌اند. اهالی آمریکای شمالی انگلیسی‌زبانند، برزیلیها زبان پرتغالی دارند و سایر کشورهای آمریکای لاتین به اسپانیولی سخن می‌گویند و این هر سه زبان چنانکه می‌دانیم اصل و نسب اروپایی دارند. همین ویژگی ادبیات آمریکا را بیشتر از شرایط اقتصادی و یا تحولات سیاسی و تکنولوژیکی متاثر ساخته است. سرآمدان ادبیات ایالات متحده، برزیل و ادبیات آمریکای لاتین از ابتدا بر آن بودند که به‌رغم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی وابستگی یکجانبه خود را با ادبیات انگلیس، پرتغالی و اسپانیا بگسلند. آنها در این راه به تلاش دوگانه‌ای دست زدند، از یک سو تلاش کردند که به سبک‌های رایج ادبی در اروپا رنگ و بوی خودی بزنند و از سوی دیگر کوشش خود را بر بیان جنبه‌های گوناگون زندگی انسان‌های آمریکایی نهادند. این تلاش دوگانه به‌ر نشت و به کامیابی انجامید. فیلیپ رآو، منتقد آمریکایی، با اشاره به همین روند می‌گوید: «ادبیات آمریکای شمالی سبک بومی و

کمیته ادبی نوبل جایزه امسال خود را به اکتاویوپاز شاعر ۷۶ ساله مکزیک اهدا کرد. پاز که سال ۱۹۵۰ با انتشار کتاب «غلاف تنهایی» از های جهانی یافت، فرزند یک وکیل می‌باشد در نته‌های فلسفه، حقوق و ادبیات تحصیل کرده است. در پندار و تویبایی سیاسی من همه ما خوشبخت ستیم، لیکن همه ما دسته‌کم مسئولیم.» این جمله واقع فشرده اندیشه اکتاویوپاز است که در «غلاف تنهایی» پیوسته بازگو می‌شود. پاز در غالب ن کلمات مشکل خود و مدرنیست‌های دیگر را در خورد با مفهوم «واقعیت» به نمایش می‌گذارد. ن در سخنرانی سال ۱۹۸۷ خود یادآور شد که: امروز هم‌همچون دیروز موقعیت دگرگون شده، اندیشه‌ها نسبی و واقعیت‌ها ناخالص و بر اسیل‌اند.»

پاز در سال ۱۹۴۵ به خدمت وزارت خارجه نزدیک درآمد و در سمت دیپلمات روانه فرانسه شد. ن در آنجا با سورا نالیست‌های فرانسوی تماس گرفت و لحاظ اندیشگی و سبک ادبی از آنها متاثر شده گامی که پاز شهر رانه به عنوان ابراز بیان و ارتباط که به عنوان تجربه‌ای درونی توصیف می‌کند، واقع تاتر خود از سورالیست‌ها را به نمایش می‌گذارد. پاز پس از فرانسه ماموریت دیپلماتیک و در اد کشورهای دیگری همچون سوئیس و ژاپن و ن ادامه داد که اقامت در ژاپن آشنایی وی با شعر و ر چین و ژاپن را در پی داشت. پاز نشرده‌گویی اهران چینی و صرغه جویی آنها در کاربرد واژه‌ها را ی ستاید و بر آن است که ناگفته‌ها در شعر به اندازه نته‌ها مهم و بارز شد. سرانجام در سال ۱۹۶۸ پاز عنوان اعتراض به سرکوب خونین جنبش دانشجویی ر مکزیک از سفارت هند کناره گرفت و به بریکاریت. سه سال پس از اقامت در آمریکا وی به کرزیک بازگشت و هنوز هم در آنجا به سر می‌برد.

پیوند میان ادبیات و تعیبات هزار تو پیوندی پیچیده است. آثار ادبی که سیله نویسندگان آفریده می‌شوند، از سوی ناشران بش‌شده و خوانندگان و ارزیابان آنها را خواننده، به ن و یا به فراموشی می‌سپارند. همه این عوامل که حیات ادبی جامعه نقش بازی می‌کنند با یکدیگر وند و بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. اثری که به مه نویسنده‌ای پدید می‌آید، توسط خواننده دوباره آفرینی می‌شود. یعنی خواننده با پذیرا شدن و یا ن زدن آن پندارها، گرایشها و سلوک خود را صیقل ده و به این یا آن اندازه دگرگون می‌شود. خوردها و واکنش‌های خوانندگان نسبت به اثر نیز توبه خود نویسنده را متاثر می‌سازند. از این رو بیات شبکه‌ای از پیوستگی‌ها و یا دستگاهی از رابط است که در آن پیام‌ها و یافته‌ها رد و بدل می‌شوند و نویسنده و خواننده در آن در تاثیر و ۱۰ندی متقابل قرار دارند. باید افزود که این دستگاه بوسته، پویا و پرجنبش است. انتشار یک اثر نو، ایگاه و ارزش آثار پیش از خود را دگرگون می‌کند. یدگاه‌ها و اندیشه‌های خوانندگان نیز با خواندن آثار ختلف پیوسته دستخوش دگرگونی و فراگشت می‌باشند. هر خواننده اگرچه گرایش‌ها و یدگاه‌هایش برخاسته از زمینه اجتماعی، تربیت، ن و سال و محیطی می‌باشند، اما وی به هر حال سانی خودویژه است که هیچگاه ثابت و بی‌تحول می‌ماند و از این رو پسند و گرایش‌های امروز وی جان پسند و گرایش‌های دیروز او نیستند. این حکم م در باره نویسنده و هم درباره کتاب‌ها و آثار ادبی همیم پذیر است. اگرچه ساختارگرایان در نقدهای یش وجود عناصر مشترکی را در همه سبک‌های بی: باز نموده‌اند، اما تردیدی نیست که هر اثر رسته ویژگی خاص خود را داراست و تاثیراتش نیز گانه و خودویژه است. گیرم که آثاری همچون یدیشه: آت‌نیس و یالوزیان در ساختار و سبک درونی بود همان باشند، اما هر کدام از آنها حال و هوای یگری دارد و احساس دیگری به انسان می‌بخشد. ری، ادبیات نوعی پیوستگی میان واقعیت‌ها و تصور تکرار ناپذیر به نام‌های نویسنده، اثر و خواننده است ه با چند مفهوم و فرمول خشک نمی‌توان آن را هریف و تبیین نمود، زیرا همانگونه که گفته شد

خبرها و نظرها

پیرامون دموکراسی و براندازی

در نشریه جمهوریخواهان ملی مقاله‌ای با عنوان نکاتی پیرامون دموکراسی و براندازی بقلم آقای احمد میرداماد درج گردیده است. در این مقاله منجمله رابطه نیروهای سیاسی و نحوه برخورد آنها با یکدیگر مورد بحث قرار گرفته و آمده است:

«گفتگوها، مناظره‌ها و بحث‌های شفاهی و قلمی که از چند سال پیش بین طیف‌های سیاسی ایران آغاز شده است آرام آرام سمت و سوی روشنی پیدا می‌کند. اختصاص بخش مهمی از این گفتگوها به چگونگی فراهم آوردن زمینه استقرار دموکراسی در ایران، بازتاب این واقعیت است که هر روز به تعداد گسترده‌تری که دموکراسی را حکومتی مطلوب برای ایران می‌دانند افزوده می‌شود.» احمد میرداماد دوران کنونی را دوران جدیدی در سیاست ایران دانسته و معتقد است که راه حل مشکلات این دوران همین بحث‌ها و مناظره‌هاست. حاصل بحث‌هایی که تاکنون انجام شده را می‌توان در شکل‌گیری دو بینش کاملاً مجزا از دموکراسی و نیز دو راه حل سیاسی برای تدارک استقرار آن در ایران مشاهده کرد.

آنجا که بحث پیرامون نظریه سیاسی است شاید دو شیوه متفاوت در نقد و ارزیابی نظرات هستیم. اولی انتقاد و فاش‌گفتن اختلافات را با امید رفع اشتباهات گذشته طرح می‌کند و از این گفتگو همدنی جز اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی در چارچوب دموکراتیک ندارد. اما دومی انتقاد را وسیله‌ای برای طرد حقوقی و حقیقی طیف یا طیف‌هایی از شرکت در تعیین سرنوشت آن کشور به شمار می‌آورد.

آنجا که بحث به افعال سیاست‌باز می‌گردد نیز دو راه حل در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی سرنوشتی یا براندازی را مقدم بر امکان طرح دموکراسی همچون پروژه‌های سیاسی و اجتماعی برآورد می‌کند. حال آنکه دومی امکان موفقیت پروژه دموکراسی را در پیوند با وسعت شرکت طیف‌های مختلف سیاسی در تعیین سرنوشت آینده کشور می‌بیند. پس بر این نظر است که همین امروز باید کاری کرد تا رودررویی اجتناب‌ناپذیر نیروهای سیاسی ایران در چارچوب حقوقی معینی صورت پذیرد. اولی امروز و اکنون سرنوشتی می‌خواهد به امید آنکه در فردای آن انتخابات آزاد برقرار کند. دومی انتخابات آزاد می‌خواهد زیرا بر این نظر است که تغییرات آرام و تعویض قانونی قوانین یگانه شایس کشور مانند ایران برای رسیدن به دموکراسی است.

به نظر من اختلاف سیاسی بین کسانی که انتقاد را به هدف اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی بکار می‌برند و کسانی که از انتقاد همدنی جز طرد طیف یا طیف‌هایی از صحنه سیاسی ندارند از درک‌های مختلف ناشی می‌شود. روشن است که در اینجا روی صحبت ما با طرفداران دموکراسی است و نه با آن افراد و نیروهایی که آگاهانه هنوز نوعی دیکتاتوری را راه نجات ایران می‌دانند. هیچ پروژه‌های اجتماعی نمی‌تواند بدون پشتیبانی نیروی اجتماعی در جامعه استوار بماند. اما اگر پروژه‌های دیکتاتوری و نخبه‌گرایانه (الیتیست) به پشتیبانی یک قشر و یا طبقه بیشتر نیازی ندارند، دموکراسی محتاج پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه است. دموکراسی بدون پشتیبانی اکثریت اقشار و طبقات یک جامعه که بواسطه نهادی صنفی و سیاسی خویش در سیاست شرکت می‌کنند، حتی اگر همچون اتفاقی تاریخی بوقوع بپیوندد، دیرپا نخواهد بود. کسانی که از انتقاد بعنوان سلاح طرد سایر نیروهای اجتماعی استفاده می‌کنند، هنوز در نیافته‌اند که دموکراسی نتیجه مبارزه یک طیف یا نیرو (هر چقدر هم که خالصانه و مخلصانه دموکرات باشد) نیست بلکه نتیجه پیکار گروه‌های متعددی است که همگی برای مبارزه در راه اهداف اجتماعی که برگزیده‌اند از دموکراسی بعنوان فضای تنفس و رشد خویش دفاع می‌کنند.

پس شکست یک سازمان در روند تمایزش به سمت دموکراسی به معنای تضعیف دموکراسی است و اولی سازمان‌هایی که از این تضعیف آسیب خواهند دید، دقیقاً آنهاست هستند که جز در یک چنین چارچوبی امکان فعالیت سیاسی ندارند. از این رو زمانی که در یکی از طیف‌های سیاسی ایران با سستی استبدادی، گرایشی و تمایلی به پذیرش دموکراسی نشان می‌دهد، هرگونه برخورد انتقادی از جانب طیف‌های سابقه سیاسی دموکراتیک جز برای تحکیم این گرایش نباید هدف دیگری را دنبال کند. به عنوان مثال در نقد و ارزیابی گرایش دموکراتیکی که در سلطنت‌طلبان بوجود آمده است جمهوریخواهان ملی ایران بارها به لزوم و اهمیت سازماندهی در این طیف، نقد گذشته استبدادی، طرد عوامل افراطی و... اشاره کردند. هدف این انتقادات یادآوری این واقعیت است که اگر میانجی‌های نامبرده مهیا نشوند، تغییر شرایط جهانی، تغییر توازن نیروهای اجتماعی، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی

گردهمائی پیرامون بررسی امکان انتخابات آزاد

در روزهای هفتم و هشتم مهرماه جلسه بحثی در شهر ماینس آلمان با عنوان "بررسی امکان انتخابات آزاد در ایران" بدهوت جبهه ملی ایران در اروپا و سازمان سوسیالیست های ایران برگزار گردید. در این اجلاس نمایندگان جبهه ملی ایران در اروپا، سازمان سوسیالیست های ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی، جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، شورای هماهنگی طرفداران پادشاهی مشروطه و جنبش ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران شرکت داشتند.

آقای دکتر علی راسخ افشارنماینده جبهه ملی ایران در اروپا اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد میتواند در این مقطع راه گشا باشد با توجه به رویدادهای کشورهای اروپای شرقی و اتحادشوروی و با توجه به رویدادهای شیلی، پاکستان، نیکاراگوئه و فیلیپین میتوان نتیجه گرفت که در ایران هم شاید بتوان از این طریق رژیم جمهوری اسلامی را در مرحله اول تعدیل کرد و به درون آن نفوذ یافت و در مرحله دوم رفته رفته حاکمیت ملی را استوار نمود. پارلمان و انتخابات پارلمانی بصورت سمبل دموکراسی و حاکمیت ملی از چنان جایگاهی در قرن اخیر برخوردار است که حتی خشن‌ترین دیکتاتورها هم مجبور بوده‌اند وجود این نهاد را در جامعه خود تحمل کنند.

آقای عبدالرضا کریمی نماینده حزب دموکرات ایران در سخنان خود منجمله مطرح کرد: انتخابات آزاد اصول دموکراسی است. اما اینکه از جمهوری اسلامی انتظار عقب نشینی در رابطه با انتخابات آزاد راداشته باشیم، توهمی بیش نیست و در حال حاضر اپوزیسیون ایران در شرایط تحمیلی آن به جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

بعنوان شیوه‌ای از مبارزه، شعار انتخابات آزاد میتواند وسیله‌ای باشد که آزادی فعالیت احزاب پیش شرط آن بشود. در غیر اینصورت به عنوان یک شعار استراتژیک خوش خیالی خواهد بود. در شرایط دموکراتیک و آزاد، انتخابات با رعایت اکثریت نسبی رای مردم هیچ مغایرتی با سیاست‌های اصولی حزب ما ندارد. مساله دموکراسی را بصورت یک امر کلی مطرح کردن یک سنسپله است. بنظر ما تمرکز زدایی اصل مهم در تحقق آزادی و دموکراسی در ایران آینده است. باید نهادهای مهارکننده و مانع مرکز قدرت که دموکراسی را تضمین میکنند، در میان خلق‌های ایران ایجاد گردد.

آقای حسن نصیریان نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: در شرایطی که هیچ‌گونه امکان رفم و اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی فراهم نیست، چنین رژیمی را نمیتوان با استفاده از موازین دموکراتیک ناموجود و با تکیه بر آرا مردم که امکان ابراز آرا در آن خود را ندارند تغییر داد.

بر اساس نظریات حزب دموکراتیک مردم ایران شعار انتخابات آزاد بعنوان محور اصلی و بجای اصل سرنوشتی رژیم نمی‌تواند قابل قبول قرار گیرد. چون در نظام حاکمه جمهوری اسلامی اصولاً امکان انتخابات آزاد نمی‌تواند وجود داشته باشد. رژیمی که کلیه نهادها و دستگاهها را در دست داشته و با سبب زور، رعب و وحشت و اختناق حکومت میکند، امکان انتخابات آزاد حتی با وجود دخالت سازمان‌های بین‌المللی نمیتواند عملی گردد. اکثرانیاتو در مقابل جمهوری اسلامی ائتلاف وسیع ملی توسط نیروهای دموکرات و معتقد به اصول آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق بشر میباشد و در این برهه شعار انتخابات آزادکاری مستمر از پیش‌نخواهد برد.

نماینده نهضت مقاومت ملی ایران اظهار داشت: یک نیروی سیاسی نباید امکان مبارزه را از قبل رو کند و نه اینکه بدون در نظر گرفتن همه جوانب آنرا مطلق نماید و تنه‌راه ممکن بداند. بنابراین لازم است که یک نیروی سیاسی اشکالات قانون اساسی جمهوری اسلامی را با تبلیغات وسیع نشان دهد و نمایان سازد که در چارچوب شرایط و قانون امروز ایران انتخابات آزاد مجلس جمهوری اسلامی ممکن و درست نیست. ضمناً برگزاری انتخابات آزاد شرایطی را می‌خواهد که اگر رژیم جمهوری اسلامی آن شرایط را یعنی بعنوان مثال آزادی حزب، امکان مبارزه هلنی و تبلیغ سیاسی هلنی و آزادی مطبوعات و... را بپذیرد بسیاری از مواد اصلی قانون اساسی خود را زیر پا گذاشته است. پس نیروهای اپوزیسیون میتوانند در یک دوره مبارزه هلنی و آزاد مسائل و نقله نظرات خود را مطرح کنند و نیروهای موثلف بایک برنامه سیاسی دموکراتیک به پای انتخابات بروند.

انتخابات آزاد راه رسیدن به دموکراسی و آزادی و شیوه مبارزه را تعیین میکند.

آقای دکتر حسن کیانزاد نماینده همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی اظهار داشت: جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی نه تنها با طرح شعار انتخابات آزاد هیچگونه ندارد بلکه بر این باور است که اگر همه گروهها و سازمانها و شخصیت‌های اپوزیسیون اصول دموکراسی و از آن جمله یلو سیاسی را پذیرفته باشند برای رسیدن به این هیچ راهی جز انجام یک انتخابات آزاد یعنی اراده آزاد مردم ایران وجود ندارد. اما تحقق این بنیادی هنگامی میسر میشود که در پشت انتخابات آزاد امرمی توانمند از نیروهای من یکپارچه و به هم پیوسته همه آزادیخواهان دوست در طیف گسترده خود قرار گرفته بتوانند با کنش‌های مداوم و شبانه روزی خودآر و حرکت ویژه دینامیکی را به وجود آورد که رادربرابرخواست مردم ایران به تمکین و وادار کند.

آقای دکتر علی هینی نماینده شورای مطرفداران پادشاهی مشروطه منجمله اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد هر چند در برنامه تبلیغاتی اپوزیسیون قرار گیرد و نشانگر روحیه جدید اپوزیسیون و واقع سیاسی او باشد باز به دلیل جوهر و واقعیت سیاسی اسلامی یک شعار جامع کامل نیست. بر دسیه، محدود و جنبه‌های استراتژیک آن ضعیف است. انتخابات آزاد با در نظر گرفتن ماهیت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه اش که ماهیت آن را روشن است استراتژی نیست بلکه شعار است این شعار با گزینش یک استراتژی شایسته همراه آنگاه نقش پرزاد خواهد بود.

خاتم مهین ارجمند نماینده ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران منجمله طرح کرد: وضع اقتصادی و اجتماعی ایران کنونی دموکراسی است. اقتصاد انحصار در دست دولت، انسانی که از فرط فقر و استیصال کلیه میفروشد چگونه امکان دارد که رای خود را از حکومتی که تادندان برای سرکوب ملت خواست و از حکومتی که خود را محقق میداند رنگ لباس مردم دخالت کند چگونه انتظار بر آن انتخابات آزاد میتوان داشت.

جبهه ملی ایران و سازمان سوسیالیست ایران در جمع‌بندی این میزگرد اظهار داشتند: نظرات و نتیجه‌گیری نمایندگان سازمان شرکت کننده در میزگرد نسبت به موضوع مورد متفاوت بود. این نظرات را میتوان بصورت تقسیم بندی کرد:

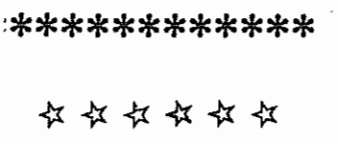
۱- برخی بر این نظر بودند که اگر چه انتخابات آزاد هیچگونه مخالفتی ندارند. اما تا که رژیم جمهوری اسلامی در ایران وجود دارد، نیروهای اپوزیسیون بطور پراکنده عمل، طرح شعار انتخابات آزاد بیجوده است.

طرح این شعار از سوی نیروهای مخالف به رسمیت شناختن رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد. در مرحله فعلی سرنوشتی رژیم با دستور کار نیروهای مخالف باشد.

۲- هدهای شعار انتخابات آزاد را در مرحله، شعاری صحیح ارزیابی کردند و معتقد بودند که شعار باید بعنوان شعار محوری نیروهای ایران در دستور کار قرار گیرد. نیروهای نباید با آن برخوردی تاکتیکی داشته باشند بلکه آن بصورت استراتژیک برخورد کنند و برپای شعار مساله همکاری و ائتلاف نیروهای مخالف رژیم را مطرح میکردند.

۳- نظریه دیگری مطرح بود که شعار انت آزاد در مرحله فعلی میتواند بصورت تاکتیک دستور کار نیروهای مخالف رژیم قرار گیرد، توجه داشت که بخاطر حکومت ترور جبهه اسلامی در ایران این یک شعار بیش نیست نه جامع و کامل و به هیچ وجه نمیتواند به استراتژیک مطرح باشد. اول باید جامعه از استبداد ویرانگر حکومت مذهبی آزاد شود آنگاه چارچوب موازین دموکراتیک به انجام انتخابات دست زد.

۴- نظریه هدهای دیگر را میتوان به این جمع‌بندی کرد که دموکراتیزه کردن جامعه با دستور کار نیروهای سیاسی مخالف رژیم ولایت قرار گیرد. بدین منظور این شعار باید هم از تاکتیکی و هم استراتژیک جزء وظایف نیر دموکرات جامعه باشد اما با توجه به وضع استبداد و ولایت فقیه در ایران این شعار بتنهائی نمیتواند شعار کامل باشد باید توجه داشت که تحقق ایران به پیش شرطهایی احتیاج دارد.



مصاحبه اشپیکل با الکساندر یاکوولف

کوتاه شده

اشپیکل: آقای یاکوولف حال رئیس جمهور شما پس از اینکه تمام حقوق ویژه‌های را که برای خود آرزو می‌کرد، بدست آورد، چگونه است؟

یاکوولف: اختیاراتی را که گارباچف بدست آورد نه به خاطر آزادی شخصی او بلکه بخاطر وضعیت ویژه کشور بود. و پارلمان نیز اینرا بدرستی درک کرده است. باید افزود این حقوق ویژه را گارباچف فقط در دوره پیشبرد فرم اقتصادی داراست. اشپیکل: اینچنین به نظر میرسد که دستورات رئیس جمهور توسط پائینی‌های حزب دولت اجرا نمی‌شوند. موقعیت حقوقی رئیس جمهور پیش از این نیز ضعیف نبود.

یاکوولف: نه، از زاویه صرفا حقوقی رئیس جمهور چنین اختیاراتی نداشت. زمانی که مجلس نمایندگان خلق تصمیم به تکمیل قانون اساسی گرفت خود درگیر مبارزه برای کسب حقوق بیشتر در مقابل نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی که از امتیازات ویژه‌های برخوردار هستند نیز بود.

اشپیکل: چه اموری باید تصحیح شوند؟

یاکوولف: این یک ضرورت عینی در جامعه ماست که مسئولیت موسسات و ارگانهای باید با جدیت از یکدیگر تفکیک

شوند. نه تنها بین رئیس جمهور و پارلمان بلکه بین قوای مختنه، مجریه قضائیه و بالاخره بین حکومت مرکزی و جمهوری ملی مستقل در جامعه ما همه چیز باید جای واقعی خود را پیدا کنند.

اشپیکل: بر سر هر موضوعی در پارلمان و کمیته مرکزی گارباچف با مقاومت شدیدی روبرو می‌شود. اما هنگامی که رأی گیری اکثریت قابل توجهی برسیاست او صحنه می‌گذارند، این نشانه‌ای از همان تفکر کهنه نیست که علیه بالاتر نباید رای داد؟

یاکوولف: نه، اکثریت نمایندگان درک کرده‌اند که گرفتن تصمیم مشخصی ضروری هستند و بهمین خاطر نیز موافقت خود را اعلام می‌کنند.

علاوه بر این همه موارد پیشنهادی توسط گارباچف با موافقت روبرو نشده‌اند. بطور نمونه می‌توان از مخالفت مجلس با تصمیم او مبنی بر اینکه اجازه برپایی تظاهرات در شهر مسکو باید از جانب شورای وزیران صورت گیرد و نه شمردار مسکو.

اشپیکل: فرم اقتصادی باید در ۵۰۰ روز اجرا شود. فکر می‌کنید این عملی است؟

یاکوولف: بله.

اشپیکل: خود شما از گسترش لختی و رکود در کشور صحبت کرده‌اید.

یاکوولف: ۵۰۰ روز کافی

یاکوولف: ابتدا، اشپیکل: باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه اخیرا نوهی تقسیم کار با گارباچف را تکذیب کرد. یلتسین بیان کرد که به تیم گارباچف تعلق ندارد.

یاکوولف: یک مسئله وجود دارد. اما راه حل آنجایی نیست که در گفتگوهای طولانی فعلی دنبال می‌شود. یک طرف می‌گوید: قوانین اتحاد بدون استثنا بر قوانین جمهوریها ارجحیت دارند. طرف دیگری می‌گوید: قوانین جمهوریها بدون استثنا بر قوانین اتحاد ارجح هستند. هر دو استدلال به یک اندازه بی‌معنایند. بیش از هر چیز باید مرز بین هر صحنه‌های مختلف مشخص شود. ارجحیت هر قانونی در هر صحنه خاص خود مشخص می‌شود. اشپیکل: بعنوان یک روس، ارزیابی شما از جنبش شوروی نیستی جدید روسیه چیست؟

یاکوولف: تنفر انگیز است. اشپیکل: اخیرا در خیابانهای شهر مسکو ارتدکس‌های مذهبی تظاهراتی برای انداختن و هکس تزار را نیز حمل می‌کردند. آیا تزار است ها امکان فرار و پیدایی به یک جنبش جدی را دارند؟

یاکوولف: دیوانه همه جای جهان پیدایی شود. اشپیکل: شما گفته بودید که پرسترویکا تازه شروع شده است. پنج سال از آغاز پرسترویکا می‌گذرد. برای آغاز این مدت طولانی نیست؟

یاکوولف: من گفته بودم که پرسترویکا در مفهوم ویژه‌های "تازه آغاز شده است". پنج سال سپری شده برای دوره آماده سازی فرم ها که در آن گرفتن

تصمیم مشخصی با اهداف اولی دگرگونی سیستم سیاسی ثانی تغییر ساختار اقتصادی، ضروری بودند.

اشپیکل: بسیاری از هموطنان شما معتقدند پرسترویکا فقط برای روشنفکران دستاورد داشته است و توده مردم از آن نفعی نبرده‌اند. چه جوابی به آنها می‌دهید.

یاکوولف: به آنها حق می‌دهم. اشپیکل: اما مردم از انتظار نیز خسته‌اند.

یاکوولف: من نیز با شما همنظرم. البته ما زمان زیادی در اختیار نداریم! معذالک نباید پیرامون کمبودها فراموش کرد که بیش از نیمی از مواد غذایی توسط موسسات تولیدی تحویل داده می‌شوند. بسیاری از موسسات یاد گرفته‌اند مواد غذایی را مستقیما به فروش برسانند.

اشپیکل: پس چرا صف‌های طولانی هنوز برقرارند؟

یاکوولف: از خالی بودن مغازها به بیش از همه باز نشستگان، اطباء و کارمندان رنج می‌برند و طبعا نیز ناراضی و مضطربند. چندی پیش من پیشنهاد دادم که سهم دریافتی آنها با سهم کارکنان موسسات تولیدی یکی شود.

اشپیکل: وضع فاجعه بار تقسیم مواد غذایی از چه چیزی ناشی می‌شود؟ تحریکات دستگاه تجاری؟

یاکوولف: دقیقا همین است. اشپیکل: در چه سطحی صورت می‌گیرد.

یاکوولف: اگر ما اطلاعات دقیقی از وسعت آن داشتیم قطعا مقابله می‌کردیم. ما وسعت واقعی آنرا نمی‌دانیم و از اینکه چه کسانی نیز دست به این اقدامات می‌کنند نیز مطلع نیستیم.

اشپیکل: شما چه جوابی به سرخهای محافظه کار می‌دهید که می‌گویند در صورت موافقت گارباچف و یاکوولف با برنامه شاتالین بساط کمونیسم بر چیده می‌شود.

یاکوولف: اگر ما بتوانیم برنامه شاتالین را اجرا نکنیم کمونیسم قوی‌تر خواهد شد. این جواب من به آنهاست. علاوه بر این باید بگویم که به اینگونه "ترمینولوژی" هلاکه نذارم.

مهمتر از هر چیزی برای من این است که انسانها بهتر زندگی کنند و اگر بتوانند بهتر زندگی کنند برای آنها سوال بیست و چهارم خواهد بود که در کمونیسم زندگی کنند یا چیزی دیگر.

اشپیکل: معذالک، موسسات دولتی خصوصی می‌شوند! امری که شما قصد پیش برد آن را دارید کمونیستی نیست.

یاکوولف: چرانیست؟

اشپیکل: بخاطر اینکه تحت تاثیر بازار سرمایه داری است.

یاکوولف: چه کسی چنین ادعایی می‌کند.

اشپیکل: تئوریسین های سرمایه داری و سوسیالیسم.

یاکوولف: بازار اما در دوره برده داری و فئودالیسم نیز وجود داشته است.

نظرات اکتاویو پاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

بقیه از صفحه ۵

دور حاصل مجموعه آثاری است که مضمون هر کدام از آنها در زمانگان مشخصی جریان می‌یابد و سبک و شیوه ویژه‌های هم در آنها به کار گرفته شده است، اما هنر امروز برآمد همگرایایی‌ها و در هم آمیزی زمانگانهای متفاوت و سبک و شیوه‌های گوناگون است. در زمینه نگرش به رابطه ادبیات و تاریخ نیز پایان این سده دورانی چرخشی خواهد بود، زیرا ما به این درک می‌رسیم که تاریخ برگ سفید و سیاهی بی‌لکی است که آراستن آن با خصلت و ویژگی‌های انسانی برترین وظیفه شاعران و نویسندگان است. ادبیاتی که از این رهگذر پدید می‌آید بر تاریخ چشم نخواهد بست، ولی از ساده‌نگریهای هنر ایدئولوژیک و نفی و تائیدهای جز می‌حذر خواهد کرد. این ادبیات به جای تکیه بر یقین و ایمان به راه پرش و کاوش می‌رود و شعری که پدید می‌آید نه رانما، بلکه راجع خواهد بود. این ادبیات بت‌ها و نشانه‌ها را فرو می‌ریزد و انسان را در برابر هلاکتی می‌نهد که از آغاز تاکنون با آن مواجه بوده است. هلاکت سوال.

این هلاکت راجع هنر مند آمریکای لاتین رسم کند و چه هنرمندی از دیار دیگر، بهر رو معنا و بازتابی جهانی می‌یابد.

* * *

بخشی از سخنرانی اکتاویو پاز درباره رابطه آزادی و هنر و خطر گسترش قوانین بازار به هر صحنه هنر. این سخنرانی چندی پیش در مکزیک و در کنفرانسی تحت عنوان "سده بیستم و تجربه آزادی" ایراد شده است:

ادبیات نوین در سده هجدهم پدید آمد و به مقابله و ستیز استبداد دولتی و امر و نهی کلیساها مواجه گشت. در سده نوزدهم ادبیات آزاد رشد و

گسترش یافت، ادبیاتی که ضمن افشای قدرت‌های حاکم دروغ‌ها و کاستی‌های جامعه متمدن آن روز را نیز به باد انتقاد گرفت. و در سده بیستم شاهکارهای ادبی بزرگی پدید آمده و اندیشه‌های علمی و فلسفی نقری پی‌ریخته شدند. اما این سده چهره دیگری هم داشت و آن پیگرد و آزار روشنفکران و هنرمندان از سوی دو نظام جنایتکار فاشیسم و استالینیسم می‌باشد. جنگ جهانی دوم بر فاشیسم هیتلری نقطه پایان نهاد و انقلاب آرام و صلح‌آمیز خلق‌های شوروی و اروپای شرقی به فروپاشی هرم بوروکراتیک استالینیسم انجامید. اما این پیروزی نباید چشم‌مارا بر خطرهای دیگر فرو بندد. منظور من مشخصا خطر حاکمیت فریبکارانه پول بر هر صحنه هنر و ادبیات می‌باشد.

قوانین بازار هینا قابل تعمیم به هر صحنه اندیشه، ادبیات و هنر نیستند. بزرگترین آثار هنری معمولاد از آغاز بابی‌اقتنایی و یاحتی نفی و اعتراض مواجه شده‌اند و یا حداقل از سوی اقلیتی محدود خواننده و درک شده‌اند. چنین آثاری معمولاد با هدف فروش و کسب سود پدید نیامده‌اند. سلامت ادبی جامعه، یا به عبارتی سلامت یک فرهنگ، به چندگرایی و تنوع اندیشه‌ها، شخصیت‌ها و گرایش‌ها وابسته است، اما ارزش‌های تجاری محض که تابع قوانین سود و فروش هستند، ادبیات را به سوی یک نواختی و همسانی می‌راند، امری که برای ادبیات بسان مرگ نقاب زده است.

تاریخ ادبیات، تاریخ اندیشه‌ها و هنر نوین را نمی‌توان از تاریخ آزادیهای سیاسی جدا ساخت، آنجا که آزادی بمیرد، اندیشه و ادبیات نیز فنا خواهند یافت. به دیگر سخن آزادی برای ادبیات و جامعه همچون اکسیر حیات بخش است.

ماندلا آماده ملاقات با بوتلزی است

روز دوشنبه ۲۲ اکتبر کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی) پس از ماهها خودداری از انجام مذاکره با جنبش راستگرای اینکاتا در آفریقای جنوبی، برای انجام چنین گفتگویی اعلام آمادگی کرد. طبق بیانیه ای.ان.سی، قرار است ملاقات میان نلسون ماندلا معاون رئیس ای.ان.سی و مانگوسوتوبوتلزی رهبر قبیله زولو جنبش اینکاتا به زودی صورت گیرد.

ماندلا هفته گذشته در جریان دیداری از استرالیا آغاز مجدد درگیری‌های قومی در

آفریقای جنوبی را تکذیب کرد و گفت مسئولیت ناآرامی‌های خونین در کشورش نه بر عهده اقوام و قبایل، بلکه متوجه "جوخه‌های مرگ" راستگرا در پلیس و ارتش است. وی افزود مدارک و شهادت‌هایی در باره دخالت دولت آفریقای جنوبی در ناآرامی‌ها به دولت استرالیا ارائه داده است. همچنین تلویزیون آلمان گزارش داد ارتش آفریقای جنوبی اعضای جنبش اینکاتا را برای دامن زدن به درگیری‌ها آموزش داده است. این گزارش به نقل از یک عضو سابق جنبش اینکاتا حاکی

بحران دولت هند

پارلمان هند ۸۶ کرسی دارد، به همراه کمونیست‌ها که ۴۳ نماینده پارلمان دارند، تاکنون از دولت اقلیت سینگ حمایت می‌کرد. از ۵۴ کرسی مجلس نمایندگان هند، احزاب حاکم متحد در "جبهه ملی" تنها ۱۴۴ کرسی در اختیار دارند.

حزب بهاراتیا جاناتا قبلا به دولت سینگ هشدار داده بود که مانع از ساختن معبد هندوها در مکانی که هم برای آنها و هم برای مسلمانان مقدس است، نشود. برای ساختن این معبد، طی ماه‌های اخیر هندوها نیروی زیادی بسیج کرده‌اند. نخست‌وزیر هند روز ۲۳ اکتبر در

اختلاف بر سر ساختن یک معبد هندوها در شهر مقدس آیودیا هند، هفته گذشته حدت یافت دولت اقلیت و ییشوانات پراتاپ سینگ نخست‌وزیر این کشور را در آستانه سقوط قرار داد. لال کریشنا آدوانی، رهبر حزب هندویی بهاراتیا جاناتا روز سه‌شنبه ۲۳ اکتبر در حالی که هازم آیودیا بود دستگیر شد. بدنبال این بازداشت، حزب بهاراتیا جاناتا اعلام کرد دیگر از کابینه سینگ که ده ماه است حکومت می‌کند، حمایت نخواهد کرد. با این حال نخست‌وزیر هند گفت که تصادفاً ندارد. حزب بهاراتیا جاناتا که در

هنرمین الملل: افزایش جنایات "جوخه‌های مرگ" السالوادور

به گزارش سازمان هنرمین المل، طرف هفت ماه نخست سال جاری شمار قتل‌هایی که توسط "جوخه‌های مرگ" در السالوادور صورت گرفته‌اند، به نحو محسوسی افزایش نشان می‌دهد. "جوخه‌های مرگ" عنوان گروه‌های جنایتکاری است که با ارتش السالوادور در ارتباطند و از سالها پیش دست به ترور فعالان سیاسی چپ می‌زنند. گزارش هنرمین المل می‌افزاید مجموعه اطلاعات بدست آمده در سال‌های اخیر، از جمله

و در این مورد، به عنوان مثال آدم‌ربایی و اعدام را آورده است.

دولت آمریکا کاهش کمک نظامی به السالوادور را که به تصویب کنگره ایالت متحده رسید، مورد انتقاد قرار داد. اما هنوز معلوم نیست جرج بوش تصمیم کنگره را و تو خواهد کرد یا نه. مارگارت توتوایلر

سخنگوی وزرات خارجه آمریکا گفت تنها زمانی می‌توان درباره تدابیر خلع سلاح مذاکره کرد که چریک‌های فارابوندومارتی به روشنی از پیشرفت در مذاکرات صلح حمایت کنند. طرف ده سال گذشته آمریکا بیش از یک میلیارد دلار به السالوادور کمک نظامی داده است.

بحران بودجه آمریکا لاینحل مانده است

کنگره آمریکا تا اواسط هفته گذشته هنوز نتوانسته بود در مورد طرحی برای پایان دادن به بحران چند هفته‌ای بودجه دولت فدرال، به توافق برسد. هلیرفم توافق کلی روسای دو فرانسسیون کنگره در مورد نحوه کاستن از کسری بودجه، بسیاری از نمایندگان کنگره از هر دو حزب با طرح تهیه شده مخالفتند. این طرح از جمله شامل افزایش مالیات بر درآمدهای بالاست. چهارشنبه گذشته مدت اعتبار یک بودجه موقت به امور مالی را برای مدت کوتاهی سروسامان داده بود، به سر رسید. رییس کمیته بودجه مجلس نمایندگان آمریکا گفت که برای ادامه مذاکرات تلاش می‌کند.

جرج بوش رییس جمهوری در یک گردهمایی برای انتخابات کنگره که دو هفته بعد برگزار خواهد شد، اظهار داشت که "عدم توانایی کنگره" او را دچار یاس کرده است. وی گفت اگر تا پایان موعد مقرر طرح قابل قبولی برای بودجه آماده نشود، نمی‌داند چکار باید بکند. در این صورت، رئیس جمهور یا باید قانون موقت سومی امضا کند و یا به قطع کلی همه هزینه‌ها تن دهد. مذاکرات بودجه آمریکا به این هلت دشوار است که در مجلس نمایندگان و مجلس سنای آمریکا حزب دمکرات اکثریت دارد. طرح مورد توافق روسای دو

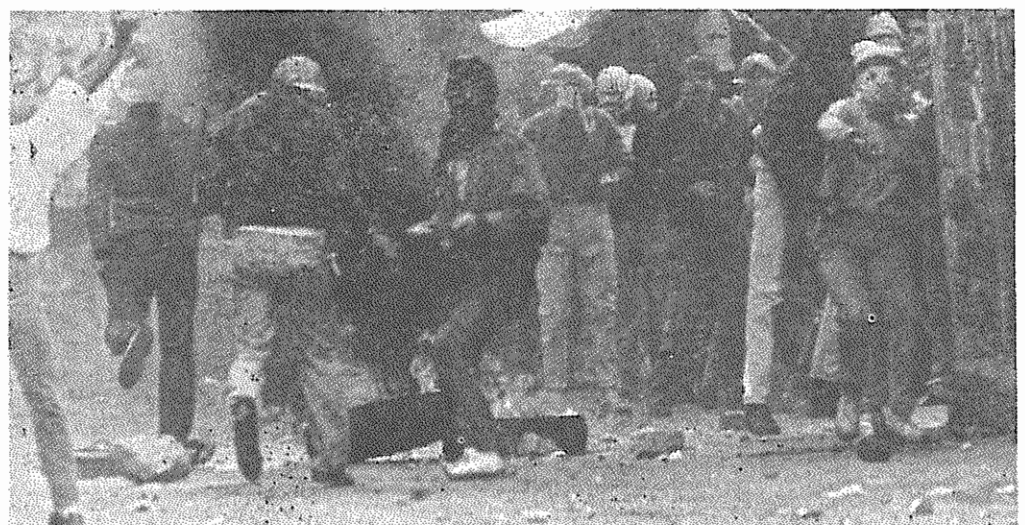
فرانسسیون، پیش بینی می‌کند که حداکثر نرخ مالیات بر درآمد، از ۲۸ به ۳۱ درصد افزایش یابد، بر بنزین به مقدار پنج سنت برای هر گالون (۳/۸ لیتر) افزوده شود، عوارض برخی مشروبات الکلی، دخانیات و کالاهای لوکس بالاتر رود و حق عضویت در بیمه درمانی دولتی بیش از دو برابر شود. بدین ترتیب بیش از دو برابر سال مالی ۹۱-۱۹۹۰، نخستین گام در برنامه صرفه‌جویی در بودجه دولت آمریکا برداشته شود. این برنامه که ره‌ئوس آن به تصویب رسیده است، هدف کاستن ۵۰۰ میلیارد دلار از کسری بودجه ایالات متحده تا سال ۱۹۹۶ را دنبال می‌کند.

بوش قانون امکانات برابر برای نژادهای مختلف را تو کرد

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا یک طرح قانونی برای تأمین امکانات برابر برای همه شهروندان در بازار کار را تو کرد. وی در توجیه مخالفت خود با قانون مصوب اکثریت نیرومند کنگره اظهار داشت مقررات وضع شده تا آن حد سخت است که هلیرفم نیت نیک آن، در عمل به تأثیر بر عکس خواهد انجامید. ناظران احتمال نمی‌دهند که در کنگره، اکثریت دوسوم لازم برای بی‌اثر کردن وتوی بوش شکل بگیرد.

رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت وضع مقرراتی بدین دشواری به این امر خواهد انجامید که کارفرمایان با برقراری یک نظام سهمیه‌بندی در استخدام و ارتقای وابستگان به گروه‌های مختلف نژادی، در مقابله با هر شکایت رهایت سهمیه‌ها را مطرح خواهند کرد. بوش افزوده است از این طریق، برابری امکانات گسترش نخواهد یافت بلکه از بین خواهد رفت. وی از کنگره خواست تا پیش از پایان دوره قانون گذاری جاری که احتمالاً این هفته خاتمه می‌یابد، طرح پیشنهادی رئیس جمهور را که فاند

اسرائیل و مناطق اشغالی: نآرامی ادامه دارد



روز چهارشنبه ۲۴ اکتبر ارتش اسرائیل یک بار دیگر مناطق اشغالی را محاصره کرد و مانع از ورود فلسطینی‌ها به خاک اسرائیل برای رفتن به سر کار خود شد. با این اقدام، هزاران فلسطینی از امرار معاش تازمانی که محاصره ادامه یابد، محروم شدند. اقدام اسرائیل به دنبال ادامه نآرامی‌هایی صورت گرفت که از هنگام کشتار شرکت کنندگان در تظاهرات فلسطینی‌ها در بیت المقدس آغاز شده بود. در روز سه‌شنبه ۲۳ اکتبر، ده‌ها فلسطینی در شهر جلیله واقع در شمال اسرائیل به بهانه حمله یکی از ساکنان مناطق اشغالی به دو سرباز زن اسرائیلی بازداشت شدند. نیروهای سرکوبگر اسرائیل چند مورد حمله با سلاح‌های سرد از سوی فلسطینی‌ها را

شورای امنیت: مذاکرات درباره لبنان

پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیشنهاد فرانسه مذاکراتی در باره اوضاع لبنان در انجام دادند. سفرای چین، شوروی، آمریکا، بریتانیا و فرانسه در سازمان ملل، در باره اقدامات احتمالی پس از قتل دانی شمعون، سیاستمدار مسیحی لبنانی و خانواده اش، به گفتگو نشستند.

مذاکرات شورای امنیت هلیرفم اعتراض سلیم الحص نخست وزیر وحسین الحسینی رئیس پارلمان لبنان به فرانسه به خاطر دخالت در امور داخلی لبنان

آیا مراسم سالگرد انقلاب اکتبر برگزار خواهد شد؟

هلیرفم مخالفت شهردار مسکو، پارلمان شوروی در صدد است مراسم سالگرد انقلاب اکتبر را با یک رژه نظامی برگزار کند. نمایندگان پارلمان با ۳۱۲ رای موافق در مقابل ۹ رای مخالف، هیات رئیسه پارلمان را مامور کردند در روز هفتم توامیر رژه معمول هر سال را سازماندهی کند. شهرداری مسکو که مسئولیت آن بر عهده گاوریل پوپوف از

احتمال جیره بندی مواد غذایی در مسکو

مردم پایتخت شوروی زمستان امسال با جیره بندی مواد غذایی روبرو خواهند شد. به گزارش روزنامه پرودا، هیات رئیسه انجمن شهر مسکو تصمیم به اتخاذ این تدبیر گرفت. طبق این گزارش، قرار است برای مواد غذایی همده، کوپن منتشر شود. پرودا خبر نداده است که کدام مواد غذایی مشمول جیره بندی خواهند شد. این تصمیم هنوز باید به تایید مجمع عمومی انجمن شهر مسکو در ماه نوامبر برسد.

دولت شوروی می‌خواهد از این پس برای ثبات بخشیدن به وضعیت اقتصادی، با مجازات سنگین به مقابله با بازار سیاه بپردازد. شورای عالی (پارلمان) شوروی، کلیات قانونی را تصویب کرده که زندان طولانی برای مبادله غیر قانونی کالا پیش‌بینی می‌کند. تاس خبرگزاری شوروی گزارش داد حتی برای تخلفات جزئی، تا سه سال زندان و مصادره اموال تعیین شده است. دو تا ده سال اردوگاه کار اجباری در انتظار "بورس‌بازان" می‌خواهد بود که اموال دولت یا تعاونی‌های مصرف را حیف و میل کنند.

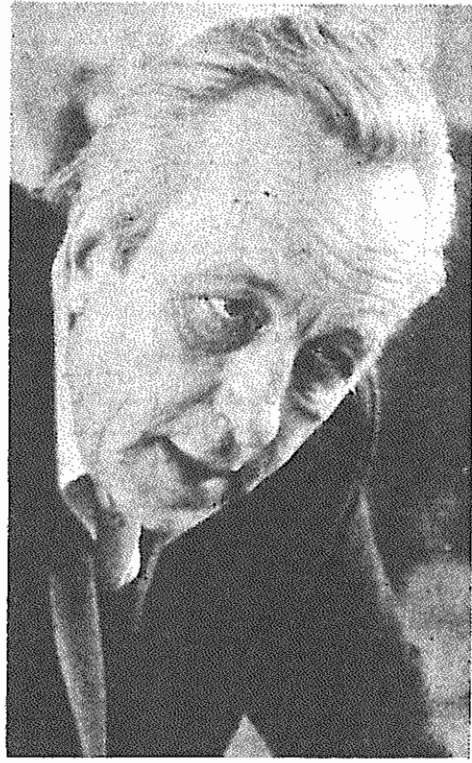
آلتوسر، فیلسوف فرانسوی در گذشت

لوئی آلتوسر فیلسوف مشهور فرانسوی روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در سن ۷۲ سالگی در گذشت. خبر مرگ آلتوسر در بیمارستانی در نزدیکی پاریس، از سوی دوستان وی اعلام شد. آلتوسر، معروف ترین تئورسین مارکسیست فرانسه بود. وی به ویژه با دو اثر خود "کاپیتال را بخوانیم" (۱۹۶۵) و "برای مارکس" (۱۹۶۵) شهرت یافت. آلتوسر پیرو مکتب استروکتورالیسم بود و تفسیرهای او از آثار کارل مارکس، زیگموند فروید و مائوتسه‌تونگ توجه زیادی به خود جلب کرد.

آلتوسر که از سال ۱۹۴۸ استاد فلسفه در دانشگاه بود، در همان سال به حزب کمونیست فرانسه پیوست، اما مهم‌ترین آثار او که در دهه ۶۰ انتشار یافت، هیچگاه نظر گاه رسمی حزب را باز تاب نمی‌داد. آلتوسر بر این اعتقاد بود که مارکسیسم حتی پس از ۱۲۰ سال، نظم علمی و فلسفی خود را نیافته است. اثر او بنام "کاپیتال را بخوانیم" تلاشی برای نقد استالینیسم از موضع چپ و بازگشت به "مارکسیسم اصیل" است.

وقتی حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۷۶ مقوله دیکتاتوری پرولتاریا را از برنامه خود حذف کرد، روند جدایی آلتوسر از حزب آغاز شد. در سال ۱۹۷۸، آلتوسر سلسله مقالاتی در لوموند منتشر کرد و در آن، جدایی خود را از حزب اعلام نمود. وی در همان زمان به یک دوست خود گفت: "نظام فکری من فرو ریخته است. من دیگر نمی‌توانم بیاندیشم."

در نوامبر ۱۹۸۰، آلتوسر به حیات خود به عنوان یک فیلسوف مارکسیست پایان داد. هنر همسر لوئی آلتوسر، بدست شوهرش خفه شد. در یک معاینه



برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمريستی و یا رسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	۱۱ مارک	دیگر نقاط
نشریه «کار»	یک ساله	۲۱	۱۳ مارک
بهای اشتراك	شش ماهه	۳۲ مارک	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	یک ساله	۶۲	۳۹ مارک
		۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

AKSARIYAT
NO. 324
MONDAY 29. Oct. 1990

آدرس: RUSSEN
POSTFACH 1810
5100AACHEN
GERMANY

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

کد بانک: ۱/۸ درصد در مفازه‌ها و اقعادر معروض فروش بوده است.